

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی

(تحلیل ثانویه داده‌های پیمایش ارزش‌های جهانی برای استان‌های ایران)

دکتر یعقوب احمدی*

آزاد نمکی**

تاریخ دریافت: ۹۱/۳/۱

تاریخ پذیرش: ۹۱/۱۰/۲۵

چکیده

اهمیت نقش ارزش‌های توده در گذار به دموکراسی در سال‌های اخیر برجستگی ویژه‌ای یافته است. در دهه‌های اخیر و به طور ویژه با مطالعه «فرهنگ مدنی» آلموند و وربا توجهات بیش از پیش به سوی واکاوی فرهنگ سیاسی رهنمون شده است. علاوه بر آن، رهیافت سرمایه اجتماعی با توجه به تأکید بر پیوندهای اجتماعی و وفاداری آنها به اجتماع، مقوله‌ای مهم جهت خلق فرهنگ متناسب با دموکراسی به نظر می‌آید. این مطالعه در راستای ارزیابی پیوند شاخص‌های سرمایه اجتماعی و مطالعات فرهنگ سیاسی، البته با طرح نظریات و تجربیات نو درباره ارزش‌ها انجام پذیرفته است.

Yahmady2001@yahoo.com

azadnamaki@gmail.com

* استادیار گروه علوم اجتماعی دانشگاه پیام نور

** کارشناسی ارشد جامعه‌شناسی

روش این مطالعه توصیفی غیرآزمایشگاهی از نوع تحلیل ثانویه است. داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها WVS، موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ و معاونت فرهنگی وزارت کشور گرفته شده است. پیمایش ارزش‌ها در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است. در این پژوهش استان‌هایی که تعداد نمونه آنها در مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بودند، حذف شدند. پس تحلیل مبتنی بر ۲۱ استان از مجموع استان‌های ایران بوده و با در نظر گرفتن استان‌های خراسان جنوبی و شمالی که داده‌های آنها در استان خراسان رضوی ادغام شده‌اند در مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر ۱۹ استان باقی‌مانده خواهد بود.

نتایج حاکی از تاثیر متفاوت شاخص‌های گوناگون سرمایه اجتماعی بر خلق ارزش‌های رهاينده یا نوع دموکراتیک فرهنگ سیاسی است. بعضی از شاخص‌های آن مانند اعتماد و مشارکت (شاخص‌های نئوتوکویلی) از تاثیر مثبت بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک برخوردار بوده و بالعکس، شاخص اطمینان به نهادها دارای تاثیر منفی در بروز این ارزش‌ها بوده و شاخص درستکاری مدنی نیز بر خلق فرهنگ سیاسی دموکراتیک از تاثیر معناداری برخوردار نبود.

واژه‌های کلیدی: فرهنگ سیاسی، فرهنگ سیاسی دموکراتیک،

دموکراسی، سرمایه اجتماعی، اعتماد، مشارکت

مقدمه

مشارکت افراد و گروه‌های اجتماعی در تعیین سرنوشت خود از اصلی‌ترین دغدغه‌های فلاسفه سیاسی مدرن و نظریه پردازان حوزه دموکراسی بوده است. برای آنها همواره این پرسش بنیادی مطرح بوده است که چه چیزی جامعه را در مقابل بی نظمی و هرج و مرج و هنگام هجوم استبداد محافظت خواهد کرد. از این رو، دلمشغولی اصلی

نظریه پردازان قرارداد اجتماعی از هابز تا روسو نحوه تشکیل جامعه‌ای قوی همراه با نظمی خودجوش بوده است (مدیسون، ۱۳۷۸: ۱۱۸) که نابسامانی‌ها و ناهنجاری‌های حوزه سیاسی یارای سرکوب و به آشوب کشانیدن آن را نداشته باشد. در این راستا، دموکراسی یا مردم سالاری، گرچه نهایت آمال توسعه یافتگی سیاسی نبوده و نیست، اما امروزه به عنوان گونه‌ای از حاکمیت سیاسی که مشروعیت بسیاری در میان مردمان جهان بدست آمده است، یکه تاز است. برجستگی و اهمیت شهروندان در نظام‌های دموکراتیک، به ویژه سبب تمایل بیشتر به سوی این وجه از حاکمیت سیاسی بوده است. بر این اساس است که در دوره معاصر، فهم علت گذار بعضی از کشورها به دموکراسی و عدم گذار پاره‌ای دیگر، برای محققان موضوعی مهم و درخور توجه بوده و محققان گوناگون پیش زمینه‌های متفاوتی را برای این گذار مطرح کرده‌اند (Vanhanen, 2003: 15). در همین زمینه، آلکسی دوتوکویل جامعه شناس فرانسوی، به طور ویژه از اهمیت مشارکت شهروندان در امور سیاسی و اجتماعی و نقش آنها در ایجاد و محافظت از دموکراسی سخن رانده است (آرون، ۱۳۸۷: ۲۶۵). اما به نظر می‌رسد نقطه آغاز چنین مباحثی در حوزه جامعه‌شناسی، انتشار مقاله سیمور مارتین لیپست یعنی «پیش نیازهای اجتماعی دموکراسی» (۱۹۵۹) بوده است (Vanhanen, 2003: 16).

در سال‌های اخیر، از میان پیش نیازهای مهم موثر بر گذار به دموکراسی، فرهنگ سیاسی به عنوان مولفه‌ای مهم برجستگی ویژه‌ای یافته است. (Putnam, 2002: 3) گابریل آلموند از اولین نظریه پردازان این حوزه، فرهنگ سیاسی را «الگوی نگرش‌ها و سمت گیری‌های فردی نسبت به سیاست در میان اعضای یک نظام» تعریف می‌کند (شریف، ۱۳۸۱: ۸). لوسین پای^۱ معتقد است که فرهنگ سیاسی مجموعه‌ای از

بازخوردها، اعتقادات و احساساتی است که به روند سیاسی سامان می‌دهد و اصول و قواعد تعیین کننده حاکم بر رفتار نظام سیاسی را مشخص می‌کند (پای، ۱۳۷۰: ۲۲).

باورها و اعتقادات و اموری از این دست که به عنوان عوامل زیربنایی و متشکله فرهنگ سیاسی معرفی می‌شوند، زیر تأثیر عوامل اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی اشکال و وجوه گوناگونی به خود می‌گیرند. از این منظر، فرهنگ سیاسی جوامع و حتی گروه‌های گوناگون، مبتنی بر عناصر اجتماعی- فرهنگی و اقتصادی به گونه‌های گوناگونی تفکیک شده‌اند.

یکی از عناصر مهم موثر بر گونه شناسی فرهنگ سیاسی، پدیده سرمایه اجتماعی است. در تئوری سیاسی- اجتماعی، مقوله سرمایه اجتماعی که به تئوری اجتماع گرایی یا راه سوم اشتها پیدا کرده است، مرکز توجهات را از تمرکز بر فرد یا دولت به حوزه مدنی در میان این دو معطوف می‌نماید. در تز سرمایه اجتماعی بر خلاف دو مکتب پر نفوذ دیگر، نقطه شروع نه فرد و شهروند ذیحق آن گونه که لیبرال‌ها بر آن تاکید می‌کنند و نه دولت برابری خواه بدان‌سان که سوسیالیست‌ها و سوسیال دموکرات‌ها می‌اندیشند، بلکه حوزه مدنی یا اجتماع است (Arneil, 2006: 1). در حقیقت به باور بسیاری از محققان، سرمایه اجتماعی نسخه جامعه شناختی تز جامعه مدنی به شمار می‌آید و برخلاف ایدئولوژی‌های رقیب و نسخه فلسفی و سیاسی‌اش پدیده‌ای قابل سنجش است. نخستین بار رابرت پاتنام بود که به سنجش سرمایه اجتماعی به مثابه مفهومی اثرگذار در حوزه سیاسی همت گمارد (Ibid: ۲).

به باور پاتنام و سایر محققان سرمایه اجتماعی، حجم و افری از سرمایه اجتماعی به تشکیل جامعه مدنی فشرده خواهد انجامید که همگان آن را شرط لازم برای دموکراسی لیبرال مدرن فرض کرده‌اند (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۷۸). پس، چنین نتیجه گرفته شد که وجود سرمایه اجتماعی بالا چه در سطح نگرشی و ارزشی و چه در سطح عینی و ساختاری، اساس و بنیادهای جامعه‌ای را پی می‌ریزد که بیشترین نزدیکی نظری و عملی را با دموکراسی و قواعد اجتماعی و فرهنگی آن دارد. در واقع، «گسترش هرچه

بیشتر سرمایه اجتماعی و نهادها و سازمان‌های غیردولتی و هنجارها و شبکه‌های مرتبط با آن، در حقیقت پرورش شیوه زیست یا خلق و خویی دموکراتیک است که هگل از آن به عنوان زندگانی اخلاقی^۱ یا شکل ویژه‌ای از فرهنگ یا حیات اجتماعی یاد می‌کند (مدیسون، ۱۳۷۸: ۲۵).

این نوشتار در پی بررسی چنین تناظر و انطباقی میان این دو مقوله اثرگذار یعنی سرمایه اجتماعی و فرهنگ سیاسی، در کشور ایران است و در پی پاسخگویی به این پرسش است که پدیده سرمایه اجتماعی تا چه اندازه توان تولید فرهنگ سیاسی مرتبط با دموکراسی را دارد.

بر این اساس پرسش‌های اصلی این تحقیق به قرار زیر هستند:

- آیا میزان سرمایه اجتماعی موجود در هریک از استان‌های ایران بر ارزش‌های رهاینده به عنوان گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی آن استان‌ها اثر دارند؟
- کدام یک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی، بیش از سایرین بر ارزش‌های رهاینده استان‌ها اثرگذار است و میزان تبیین‌کنندگی واریانس ارزش‌ها توسط هریک به چه میزان است؟

ادبیات تحقیق

سرمایه اجتماعی

مفهوم سرمایه اجتماعی برای اولین بار در سال‌های دهه ۱۹۲۰ از سوی لیدا جادسون هانیفن در کتابی با عنوان «مرکز اجتماع» (۱۹۲۰) و پس از آن نیز در دهه ۱۹۶۰ توسط جین جاکوبز در کتاب تاثیرگذارش به نام «مرگ و زندگی در شهرهای بزرگ امریکا» (۱۹۶۱) به حوزه علوم اجتماعی معرفی شد. اما از دهه ۱۹۸۰ به بعد، به طور جدی توسط رابرت پاتنام، پیر بوردیو، جیمز کلمن، فوکویاما و اندیشمندان دیگر وارد مباحث

^۱Sittlichkeit

جامعه شناسی، اقتصاد، علوم سیاسی، مدیریت و... شده است. پیش‌تر نیز، متفکرانی چون دوتوکویل، میل، دورکهایم و زیمل از منافع اجتماعی عضویت در تشکلات داوطلبانه، بسیار سخن رانده بودند. از نظر آنها، مشارکت شهروندان در جامعه محلی و انجام فعالیت‌های داوطلبانه، رفتارهای اجتماعی و منافع ناشی از پیوندهای اجتماعی را به مردم می‌آموزد: رفتارهایی مانند اعتماد، رابطه متقابل، یکپارچگی و همکاری.

در سال‌های اخیر بیشتر موضوعات و درون مایه‌های یاد شده، در بررسی‌هایی درباره سرمایه اجتماعی یافت شده‌اند. در همین راستا، صاحب‌نظران گوناگون تعاریف متفاوت، البته با محتوا و مضامین تقریباً مشترک از سرمایه اجتماعی ارائه داده‌اند که این تفاوت‌ها بیشتر به حوزه مورد بررسی این اندیشمندان و این که آنها سرمایه اجتماعی را به عنوان علت یا معلول در آن حوزه مورد بررسی قرار داده‌اند، برمی‌گردد. کاستلیونه در کتاب راهنمای سرمایه اجتماعی تعریفی جامع و مختصر از این مفهوم ارائه می‌دهد: «ارزش تمام منابع و منافع که فرد از طریق جایگاهش در ارتباط با دیگران به دست آورده و یا در کنترل می‌گیرد» (Castiglione et al, 2008: 18). رابرت پاتنام در کتاب «دموکراسی و سنت‌های مدنی» سرمایه اجتماعی را عبارت از ویژگی‌ها، کنش‌ها و ساختارهای گوناگون سازمان اجتماعی مانند: اعتماد، هنجارها و شبکه‌ها می‌داند که می‌توانند با تسهیل اقدامات هماهنگ، کارایی جامعه را بهبود بخشند (پاتنام، ۱۳۸۰: ۲۸۵). در این تعریف پاتنام هم به اجزای تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی از قبیل اعتماد، هنجارها و شبکه‌های اجتماعی اشاره می‌کند و هم نتایج و کارکردهای آن را مدنظر قرار داده است که از نظر وی منجر به بهبود کارایی جامعه می‌شوند. بر اساس نظر پاتنام چنین جهت‌گیری‌های اجتماعی، سرمایه اجتماعی را ایجاد می‌کند و در فعالیت‌های مردم در انجمن‌های داوطلبانه و در اعتمادشان به شهروندان منعکس می‌شود. از نگاه او سرمایه اجتماعی به شکل یک پدیده فرهنگی تعریف می‌شود که میزان تمایل به فعالیت مدنی در اعضای جامعه، وجود هنجارهای اجتماعی اشاعه دهنده کنش جمعی و میزان اعتماد به نهادهای عمومی را دربر می‌گیرد (شجاعی، ۱۳۸۷: ۳۹۵).

یعقوب احمدی نیز از منظر جامعه‌شناسی سیاسی به این مفهوم پرداخته و آن را دارای تبعات دوگانه (مثبت و منفی) می‌داند که در این زمینه، کارکرد مثبت آن، پیامدهای اندیشیده و آگاهانه‌ای به بار خواهد آورد. از نظر او، روابط میان کنشگران اجتماعی و تاثیر و تاثرات آنها بر یکدیگر، محیط اطراف آنها را به صورت شبکه‌ای با هنجارها، ارزش‌ها و قواعدی مانند: اعتماد و مشارکت تبدیل نموده و بدین سان موجب توانایی ایجاد تغییر در وضعیت سیاسی می‌گردد (احمدی، ۱۳۸۵).

جدول ۱- تعاریف سرمایه اجتماعی از دیدگاه صاحب‌نظران گوناگون

تعاریف	اندیشمندان
همبستگی از روی اجبار: پناهندگان و مهاجران در کنار هم در یک محله.	کارل مارکس
دادوستدهایی که افراد در زندگی اجتماعی صورت می‌دهند، قواعد و هنجارهای آن.	زیمل
تعهداتی که مبنای آنها ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی است.	امیل دورکیم
مفاهیمی که به اعتماد معطوف‌اند.	ماکس وبر
منابع بالقوه یا واقعی که حاصل شبکه‌ای ماندگار از روابط کم و بیش نهادینه شده آشنایی و شناخت متقابل هستند.	پیر بوردیو
روابط میان اشخاص، گروه‌ها و اجتماعات که کنش‌ها را تسهیل می‌کند.	جیمز کلین
مجموعه‌ای از خصایص و مفاهیم از سازمان اجتماعی مانند اعتماد، هنجارها و شبکه که می‌تواند کارایی سازمان را تسهیل کند.	رابرت پاتنام
مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌های غیررسمی که اعضای گروهی که در میان‌شان تعاون و همکاری است در آن سهیم هستند.	فوکویاما
مجموعه شبکه‌ها و کنش‌های متقابل افراد که موجبات موفقیت و کنش را فراهم می‌آورد.	لین

تفاوت در میزان برخورداری از فرصت‌ها (از طریق ارتباطات اجتماعی)، برای جوانان وابسته یا غیر وابسته به اقلیت‌های نژادی.	گلن لوری
منبعی که کنشگران آن را از ساختارهای ویژه اجتماعی می‌گیرند.	بیکر
فرهنگ اعتماد و مدارا که در آن شبکه‌های گسترده سازمان‌های داوطلبانه می‌روید.	اینگلهارت
مجموعه‌ای از عناصر ساختار اجتماعی که بر روابط میان مردم اثر می‌گذارند.	شیف

منبع: احمدی، ۱۳۸۵

وی تعاریف سرمایه اجتماعی از نگاه صاحب نظران گوناگون را مورد بررسی قرار داده است، با این تفاوت که او نگاه خود را به این مفهوم تعمیم داده و در بررسی خود صاحب‌نظران کلاسیک را نیز که به صورت ضمنی به این قضیه پرداخته‌اند، در دایره شمول سرمایه اجتماعی وارد کرده است.

فرهنگ سیاسی

از همان آغاز، پژوهشگران فرهنگ سیاسی ادعا کرده‌اند که کارگزاری و بقاء نهادهای دموکراتیک در سطح نظام با جهت‌گیری‌های ارزشی سطح فردی ارتباط بسیاری دارند. از این دیدگاه، سرنوشت نظام سیاسی عمدتاً به وسیله نگرش‌های سیاسی و جهت‌گیری‌های ارزشی مردم تعیین می‌شود. بر این اساس، می‌توان عنوان نمود این ایده که نظام سیاسی هر جامعه باورها و ارزش‌های رایج مردمش، یعنی فرهنگ سیاسی را منعکس می‌کنند، سنت دیرینه‌ای دارد. ارسطو (۱۹۶۲) ۳۵۰ سال پیش از میلاد در کتاب چهارم سیاست عنوان می‌کند که دموکراسی در اجتماعات طبقه متوسط که بیشترین شهروندان دارای جهت‌گیری مشارکتی مساوات‌طلبانه هستند، محقق می‌گردد و بسیاری از نظریه پردازان بعدی ادعا کرده‌اند که پرسش از نوع نظام سیاسی که در هر کشوری رایج است بر جهت‌گیری متداول شهروندان آن نظام مبتنی است. در این راستا،

مونتسکیو (۱۹۸۹ [۱۷۴۸]: ۱۰۶) بر آن بود که قوانینی که جامعه از طریق آن اداره می‌شود، منعکس کننده نگرش و طرز تفکر مردم آن جامعه است: این که اجتماعی به شکل استبدادی، موناشرسی یا دموکراسی اداره می‌شود، به ترتیب ناشی از رواج اضطراب، وفاداری یا جهت‌گیری‌های مدنی است. در همین رابطه، آلکسی دو توکویل (۱۹۹۴ [۱۸۳۵]: ۲۹) در کتاب «دموکراسی در آمریکا» این ایده را عنوان می‌کند که شکوفایی دموکراسی در ایالات متحده منعکس کننده جهت‌گیری‌های لیبرال و مشارکتی مردم آمریکا است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۲۴۳-۲۴۵).

در دوره معاصر، برجسته‌ترین شرح از این حقیقت که نظام سیاسی نیازمند جهت‌گیری‌های متناسب از سوی مردم است، ناکامی دموکراسی در آلمان وایمار بود (Inglehart and Welzel, 2009). ناکامی دموکراسی در آلمان چنان پیامدهای مصیبت‌باری داشت که برای دهه‌ها دانشمندان اجتماعی، روانشناسان و محققان افکار عمومی را متحیر نمود. نهایتاً محققان به این نتیجه رسیدند که علت آن فاجعه وجود «دموکراسی بدون دموکراتها» بود (براجر ۱۹۷۱ [۱۹۵۵]). در همین زمینه، هارولد لاسول (۱۹۵۱: ۴۷۳، ۴۸۴، ۵۰۲) ادعا کرد که ظهور و بقاء رژیم‌های دموکراتیک عمدتاً مبتنی بر باورهای توده است. به‌طور مشابهی، سیمور مارتین لیپست هنگام تحلیل علت تأثیر نوسازی بر دموکراسی عنوان کرد که نوسازی به شیوه‌ای نگرش‌های مردم را تغییر می‌دهد که افراد جامعه را به حامیان اصول دموکراتیکی مانند: تکثرگرایی سیاسی و کنترل عمومی بر قدرت مبدل می‌سازد. ساموئل هانتینگتون (۱۹۹۱: ۶۹) یادآور شده است که رشد تمایلات توده نسبت به آزادی، مکانیسم واسطی ایجاد می‌کند که علت رشد جنبش‌های دموکراسی خواه در کشورهای گوناگون در دهه‌های اخیر به واسطه نوسازی را تبیین می‌کند.

در این زمینه، آلموند و وربا نخستین پیمایش تجربی تطبیقی درباره ارتباط نگرش‌های توده با تثبیت و کارگزاری دموکراسی‌ها را آغاز نمودند. آنها نتیجه گرفتند که ترکیب مناسب میان «جهت‌گیری‌های ذهنی» و «جهت‌گیری‌های مشارکتی» سرچشمه «فرهنگ مدنی» است که به شکوفایی دموکراسی‌ها کمک می‌نماید. مطالعات تجربی تطبیقی بعدی بر اهمیت نگرش‌ها و ارزش‌های سطح فردی در نگهداشت نهادهای دموکراتیک در سطح نظام تأکید کردند (Diamond 2003: 28). گابریل آلموند و سیدنی وربا (۱۹۶۳: ۴۹۸) و پس از آنها اکستین (۱۹۶۶: ۱) اصطلاح «انطباق» را با این ادعا معرفی کردند که رژیم‌های سیاسی تنها تا زمانی ثابت دارند که الگوهای اقتدارشان با عقاید مردم در مورد نوع اقتدار سیاسی آن جامعه منطبق باشد. اکستین اضافه می‌کند که این قضیه صرف نظر از نوع رژیم آن جامعه صدق می‌کند. بر مبنای تز انطباق، رژیم‌های اقتدارگرا تا زمانی باثبات خواهند بود که مردم به مشروعیت قدرت‌های دیکتاتوری باور داشته باشند، دقیقاً به همین منوال رژیم‌های دموکراتیک تا زمانی باثبات هستند که مردم به کنترل عمومی اقتدار سیاسی باور داشته باشند.

لاری دیاموند^۱ در کتابش با عنوان «دموکراسی در حال توسعه: به سوی تحکیم» می‌گوید که «دموکراسی بایست به عنوان پدیده‌ای تکاملی ملاحظه شود، زیرا نه در این زمان و نه در هیچ دوره دیگری دموکراسی در جهان مدرن دولت-ملت‌ها به مثابه دموکراسی‌ای که در آن همه شهروندان تقریباً منابع سیاسی یکسانی را دارا بوده و حاکمیت به طور کامل یا تقریباً کامل نماینده تمام شهروندان باشد، کامل نبوده است» (Diamond 1998: 18). دیاموند فرآیندهای تحکیم دموکراسی در کشورهایی که پس از «موج سوم» دموکراتیزاسیون جهانی بالاتر از آستانه دموکراسی انتخاباتی قرار داشتند را آزمون نمود. توجه او بر عوامل فرهنگی-سیاسی و جامعه مدنی متمرکز بود، اگرچه به

^۱ Almond and Verba
^۲ L. Diamond

ساختارهای اقتصادی و عملکرد اقتصادی نیز اشاره می‌کند. هانتینگتون نیز عامل ناکامی دموکراسی در جوامع مسلمان را فرهنگ می‌داند. او عنوان می‌کند که "منبع این ناکامی، دست کم در بخشی از طبیعت نامساعد اجتماع و فرهنگ اسلامی نسبت به مفاهیم لیبرال غرب نهفته است" (Huntington 1991: 114).

رونالد اینگلهارت و کریستین ولزل (۱۳۸۹: ۲۲۱) این پیش فرض‌ها را با این پیشنهاد گسترش داده‌اند که رژیم‌های سیاسی برای بقاء بایست دموکراسی را در سطح تقاضای مردم عرضه کنند. اینگلهارت و ولزل برآنند که در فرایند دموکراتیک شدن، باورهای توده نقش محوری ایفاء می‌کنند. از نظر آنها رشد منابع گوناگون موجب رشد ارزش‌های رهاینده‌ای می‌شود که بر ابراز وجود تأکید می‌کنند و این ارزش‌ها منشأ کنش‌های جمعی هستند که به دموکراتیک شدن منجر می‌شوند. «باورهای رهاینده توده مهمترین عامل فرهنگی در کمک به دستیابی، تحکیم و تعمیق دموکراسی است» (اینگلهارت و ولزل، ۱۳۸۹: ۱۲۳).

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی

رهیافت سرمایه اجتماعی (اجتماع گرایان) بر ارزش‌هایی که شهروندان را به زندگی روزانه پیوند داده و پیوندهای اجتماعی و وفاداری‌شان به اجتماع را تقویت می‌کند، تأکید دارد (Bell, 1993: 82-85). این دیدگاه برآمده از یک مکتب قدیمی آمریکایی به نام «تفکر مدنی»^۱ است که از آلکسی دو توکویل تا آلموند و وربا را در بر می‌گیرد. آنها جامعه مدنی را به عنوان بخش حیاتی دموکراسی نیرومند آمریکایی در نظر می‌گیرند. اجتماع از نظر آنها «سرچشمه "فرهنگ مدنی" است که شهروندان را در یک قلمرو مشخص، متمایز و بعضاً متعارض با دولت لیبرال دور هم متحد می‌کند» (Arneil,

۴ (۲۰۰۶). «توکویل، آلموند و وربا همگی انجمن‌های داوطلبانه را به مثابه ابزارهایی می‌نگریستند که سرانجام دموکراسی آمریکایی را بیمه خواهند کرد» (Ibid:5). تقریباً تمام نظریه پردازان بعدی سرمایه اجتماعی و بویژه رابرت پاتنام به نوعی با تاثیر از مکتب "تفکر مدنی" مبادرت به خلق و توسعه مفهوم سرمایه اجتماعی نموده‌اند.

رابرت پاتنام از نظریه پردازان اصلی این رهیافت، در پژوهشی به بررسی تطبیقی عملکرد نهادی حکومت‌های محلی ایتالیا پرداخته است. وی این فرضیه را مطرح می‌کند که تفاوت در عملکرد این حکومت‌ها با وجود تشکیلات و ترتیبات نهادی یکسان، ناشی از متغیر فرهنگ سیاسی متفاوت نهفته در بافت و زمینه اجتماعی این مناطق می‌باشد (باگناسکو، ۱۳۸۵ : ۳۶). پاتنام موفقیت حکومت‌های مناطق شمالی نسبت به جنوب این کشور را به وجود سنت‌های مدنی نسبت می‌دهد که موجب مشارکت شهروندان این مناطق در مسائل عمومی، پیروی از قوانین و نیز ایجاد شبکه‌های اجتماعی و سیاسی افقی شده‌اند. از نظر وی این عوامل به همراه درستکاری و همبستگی، «جوامع مدنی» و دموکراتیکی ایجاد کرده‌اند که از سستی، ناکارآمدی و فساد حاکم در مناطق جنوبی که از فقدان این عوامل رنج می‌برند، به دور هستند (پاتنام، ۱۳۷۹:۳۹). در نهایت وی تأکید می‌کند که عامل کلیدی که جوامع برخوردار از حاکمیت مطلوب را از آنهایی که فاقد آن هستند متمایز می‌کند، فضیلت مدنی است (تاجبخش، ۱۳۸۹ : ۳۴۴). این فضیلت همان گونه که اشاره شد، شامل اقدامات و فعالیت‌هایی مانند: مشارکت سیاسی و اجتماعی، اطاعت از قانون، همکاری، تعهد به منافع عامه و... است. از دیدگاه پاتنام سرمایه اجتماعی نهفته در هنجارها و شبکه‌های مشارکت مدنی پیش شرط توسعه اقتصادی، گسترش فرهنگ سیاسی دموکراتیک و در نهایت حاکمیت کارآمد و دموکراتیک است.

به هر روی، چنین به نظر می‌رسد که ارتباط و نحوه اثرگذاری سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی مبتنی بر شاخص‌های درونی معرف سرمایه اجتماعی متفاوت بوده و از این منظر نیز این نوشتار اثر سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی را در لایه‌های متفاوت

سرمایه اجتماعی واکاوی می‌کند. از این منظر می‌توان سرمایه اجتماعی را چنان که آپهوف عنوان می‌دارد به دو حوزه ساختاری و نگرشی تفکیک نموده و اثرات هر یک از آنها را مورد واکاوی قرار داد.

الف. حوزه ساختاری

وجه ساختاری سرمایه اجتماعی مورد تاکید یکی از مکاتب از اجتماع‌گرایان (نئوتوکویلی‌ها) می‌باشد. از نگاه آنها سرمایه اجتماعی ذاتاً خیر بوده (شجاعی باغینی، ۱۳۸۷: ۹۳) و وجود سطوح بالاتری از آن بر رفاه، کارآمدی نهادی و روند دموکراسی تاثیر مثبت دارد. در این دیدگاه، سرمایه اجتماعی با سازمان‌های محلی مانند: انجمن‌ها و تشکل‌های مدنی برابر انگاشته می‌شود (همان: ۹۴).

از نظر طرفداران تز اجتماع‌گرایی، هنگامی که تعداد این انجمن‌های داوطلبانه و تعداد اعضای‌شان در جامعه زیاد باشد، آنها به انتشار ارزش‌های اخلاقی و اجتماعی از جمله اعتماد کمک خواهند نمود. این انجمن‌ها به همراه ارزش‌های مدنی یا فرهنگ سیاسی که در جامعه انتشار می‌دهند، عامل کلیدی در عملکرد دموکراسی هستند. در سطوح بالای عضویت در تشکل‌ها و نهادها ایده‌ها و افکار نو سریعتر امکان انتشار و توزیع در میان جمعیت را یافته و افکار رادیکال و افراطی نیز آسان‌تر به چالش کشیده شده و شانس کمی برای بقا و گسترش بدون فیلتر در سطح جامعه خواهند داشت (Paxton, 1999). همچنین، مهارت‌ها و هنجارهای ابتکار، توجه، اعتماد، ظرفیت‌های سازماندهی، نگرش‌های برابری خواهانه و نیز تساهل در برابر غریبه‌ها که در زندگی انجمنی کسب شده و تقویت می‌شوند، در جامعه بزرگتر انتشار یافته و به جزئی از فرهنگ سیاسی تبدیل می‌شوند. این امر بدان دلیل روی می‌دهد که تجربه زیست در انجمن‌های مدنی افراد را در برابر احساس ضعف و بی‌قدرتی از یک سو و

انتظارات نوکرمسلکانه که منجر به دولت اقتدارگرا و پدرسالار می‌شود، ایمن خواهد کرد (Offe, 2002: 20).

آلموند و وربا نیز در کتاب مشهور خود «فرهنگ مدنی» بیان می‌دارند که افرادی که عضو نهادهای داوطلبانه هستند، نسبت به افرادی که عضو هیچ نهادی نیستند، احساس شهروندی بیشتری داشته و در مسائل سیاسی نیز هم آگاهی و هم مشارکت بیشتری خواهند داشت. چنین شهروندانی در جهان اجتماعی وسیع‌تری درگیر خواهند شد و در همان حال نیز کمتر زیر تاثیر رژیم سیاسی و کنترل آن خواهند بود (Hooghe, 2008). در واقع نهادها از طریق تجمع توانایی‌ها و پتانسیل‌های افراد و کانالیزه کردن و معطوف نمودن آن به مورد یا موارد ویژه‌ای از حوزه عمومی، قدرت و توانایی ایجاد تغییرات در این حوزه توسط شهروندان را افزایش خواهند داد (Malloney, 2008). همین امر سبب توانمندسازی شهروندان و احساس مفید و موثر بودن در آنها می‌شود. همچنین نهادهای داوطلبانه از طریق ایجاد بستر گفتگو هم در درون خود و هم به سبب رقابت بین گروهی با نهادهای دیگر، سبب تقویت فرهنگ گفتگو، تساهل و بده بستان خواهند شد. آنها از همین طریق تمایلات خودخواهانه افراد و فردگرایی لجام گسیخته شهروندان را نیز مهار و توانایی‌ها و مهارت‌های مدنی آنها را بهبود می‌بخشند (Hooghe, 2008).

ژوبشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
فصل جامع علوم انسانی

ب. حوزه نگرشی

۱. اعتماد تعمیم یافته

در دهه ۷۰ میلادی با انتشار اثر گرانووتر^۱ با عنوان «قدرت پیوندهای ضعیف»^۲، ارتباطات برون گروهی بیش از پیش مورد توجه قرار گرفت. منظور گرانووتر از

^۱ M. Granovetter

^۲ The Strength of Weak Ties

پیوندهای ضعیف، روابط و ارتباطاتی است که افراد درون شبکه‌ها و گروه‌های گوناگون جامعه با بیرون از گروه خود برقرار می‌کنند. گرانووتر پیوندهای ضعیف را به مثابه بنیان محکم و استواری برای حفظ و ایجاد همبستگی اجتماعی در جامعه مدرن در نظر می‌گیرد. این نوع ارتباط که مبتنی بر نوعی اعتماد ضعیف در میان افراد یک اجتماع ویژه است، هم شامل نوعی رابطه و هم نوعی نگرش است و با همبستگی ارگانیکی مطرح شده توسط دورکیم و یا روابط گزل شافتی تونیس ارتباط نزدیکی دارد. در حقیقت این نوع اعتماد، روابط "ثانویه"، آزادتر و نامنظم‌تری را در جوامع مدرن به نسبت روابط اولیه در جوامع پیشامدرن با همبستگی مکانیکی و گمیشافتی که مبتنی بر اعتماد شدید درون گروهی است، فرآهم می‌آورد (Newton, 97). این نوع از ارتباطات که ویژه جوامع مدرن هستند، از قدرت و شدت روابط درون گروهی برخوردار نیستند، اما توانایی در نوردیدن شکاف‌های گوناگون اجتماعی مبتنی بر دین، نژاد، قومیت، طبقه و جنسیت را دارا هستند. اعتماد ضعیف فرآهم آورنده و ایجاد کننده بستری برای نوعی از کنش‌های متقابل رو در روست که شهروندان جامعه بر پایه آن سازمان‌های داوطلبانه و دیگر نمودهای کنش جمعی را سازماندهی می‌کنند. این امر افراد را قادر به حرکت بین گروه‌ها کرده و از این راه به صورت حاملان افکار و اطلاعات تازه در می‌آیند (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۱۷۴).

تقریباً تمام دیدگاه‌های موجود در تئوری سرمایه اجتماعی در تاکید بر اعتماد تعمیم یافته یا اعتماد ضعیف به عنوان عامل بنیادی سرمایه اجتماعی اشتراک دیدگاه دارند. «نظریه سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که هرچه بیشتر با دیگران پیوند داشته باشیم، نشانگر اعتماد بیشتر ما به آنها و برعکس خواهد بود» (Putnam, 1995, 665). در ادبیات فرهنگ سیاسی نیز بر این نکته تاکید می‌شود که تطور و بقای دموکراسی مبتنی بر توده، به وجود برخی از رسوم و گرایش‌های حمایتی در میان عامه مردم نیاز دارد. یکی از اساسی‌ترین این گرایش‌ها احساس اعتماد بین فردی است (اینگلهارت به نقل از زتومکا، ۳۲). این فرضیه که اعتماد عنصر مهمی از فرهنگ سیاسی است را اولین

بار آلموند و وربا (۱۹۶۳) مطرح کردند که بعدها از دهه ۱۹۹۰ به بعد در نظریه سرمایه اجتماعی هرچه بیشتر مورد توجه قرار گرفت. آنها در پژوهش‌های خود به وجود رابطه مثبت میان اعتماد و تساهل اجتماعی و شواهدی دال بر آسان‌گیری در برابر رفتارها و گروه‌های متفاوت از سوی کسانی که اعتماد بیشتری نسبت به دیگران از خود بروز می‌دادند دست یافتند (Lane, 2008). امروزه، این امر به باور پذیرفته شده‌ای تبدیل شده است که اعتماد جزئی از یک دموکراسی سالم است؛ چرا که دموکراسی مستلزم وجود افرادی است که تمایل داشته باشند سرنوشت خود را در «دستان مردم» قرار دهند (Wuthnow, 2002). زتومکا نیز از اعتماد به عنوان پیش شرطی برای دموکراسی یاد می‌کند. از نگاه او فرهنگ اعتماد نه تنها به پایداری دموکراسی کمک می‌کند، بلکه بدون وجود میزانی از اعتماد اولیه، اجرای رویه‌های بنیادی دموکراسی عملاً غیر ممکن است (زتومکا، ۱۳۸۶: ۲۶۳).

درست برعکس، هنگامی که اعتماد درون گروهی شدید اما روابط و اعتماد برون گروهی در سطح پایینی است، تاثیر آن بر روند دموکراسی به شدت مخرب خواهد بود. بدون وجود این نوع از پیوندهای افقی، گروه‌های گوناگون ممکن است راه خود را از جامعه جدا کرده و به صورت شبکه‌های بسته‌ای درآیند که فقط در جهت منافع فرقه‌ای، قومی و محلی خود عمل می‌کنند (تیلی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). سرمایه اجتماعی موجود در یک گروه، هرچند ممکن است برای اعضای آن گروه مثبت عمل کند، اما ممکن است موجب ایجاد شکاف اجتماعی یا تشدید شکاف‌های موجود در آن شود. فروپاشی یوگسلاوی سابق و کشتارهای فاجعه آمیز و تقسیم این کشور به دولت‌های متعدد، نمونه بارز تجمع سرمایه‌های اجتماعی درون گروهی و فقدان روابط برون گروهی است (Paxton, 2002). در واقع تنها با ارتباط شبکه‌های اعتماد به همدیگر و منضم شدن آنها به سیاست عمومی است که فرهنگ سیاسی دموکراتیک توانایی شکوفا شدن دارد (تیلی، ۱۳۹۰: ۱۶۹). علاوه بر آن گروه‌های بسته سبب انفعال و یا بی‌تفاوتی

اعضای شان در برابر حوادث جامعه و در کل خارج شدن تعدادی از شهروندان جامعه از تاثیرگذاری بر روندهای سیاسی و اجتماعی می‌شوند؛ از همین روی است که گفته می‌شود کارخانه‌ها (به عنوان نماد کنش‌های متقابل برون گروهی) بیشترین و کلیساها (به عنوان نماد سرمایه اجتماعی و اعتماد شدید درون گروهی) کمترین فرصت را برای تمرین مهارت‌های مدنی فراهم می‌آورند (Newoton, 97).

وارشنی^۱ (۲۰۰۰) در پژوهشی بر نقش تعامل شبکه‌های اعتماد میان هندوها و مسلمانان در هندوستان در ایجاد یا رفع تنش‌های قومی تاکید می‌کند. وی نشان می‌دهد که در شهرهایی که هندوها و مسلمانان تعامل کمی دارند، وجود تعارض پنهان جمعی، راه حل‌های مسالمت‌آمیز را محدود کرده و این وضعیت دائماً منجر به بازتولید خشونت در سطح جامعه می‌شود؛ در عوض در شهرهایی که عضویت در انجمن‌ها همپوشانی داشته و تعاملات روزمره رواج زیادی دارد، تعارضات به راحتی پیش بینی و برطرف می‌شود (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۲۲۲). جان ورز (Worms, 2002) عدم نفوذ انجمن‌های سنتی جامعه فرانسه در میان مهاجران و تشکیل شبکه‌های همپاری و همکاری در درون خود مهاجران را به عدم اعتماد فراگیر میان شبکه‌های مهاجران و جمعیت بومی فرانسوی مرتبط می‌داند. همین عدم پیوستگی سرمایه‌های اجتماعی دو طرف، سبب برانگیختن آنچه که او «احساس ناامن»^۲ نامیده، در میان هر دو گروه شده است که لزوماً نیز مبتنی بر واقعیت یا ناشی از خطر بالقوه یک گروه برای گروه دیگر نیست. چنین وضعیتی، سبب عواقبی مانند: تقویت تمایلات نژادپرستانه در میان جامعه اصلی از یک سو و اعتراضاتی در قالب شورش در میان جوانان عمدتاً بیکار مناطق حومه شهری که بیشتر از مهاجران عرب تشکیل شده‌اند، شده است.

^۱ Varshney

^۲ Feeling of Insecurity

پس رشد اعتماد درون گروهی و ضعف اعتماد تعمیم یافته، تقویت کننده و از عوامل اصلی ایجاد کننده آنچه آلموند و وربا فرهنگ سیاسی تبعی^۱ می‌نامند، می‌باشد. اشاره آنها به فرهنگی است که، افراد در آن نه شهروندان مشارکت جو، فعال و موثر، بلکه اتباع نظام حاکم به شمار آمده و روابط و مناسبات افراد عمودی و اقتدارگرایانه تنظیم می‌شود. پای و وربا نیز فرهنگی را که برپایه این اعتقاد که «مردم قابل اعتماد نیستند، بلکه بیگانه، غریبه و احتمالاً خطرناک هستند» شکل گرفته است را در دسته فرهنگ‌های سیاسی غیردموکراتیک قرار می‌دهند (Pye & Verba: 1965).

بر این اساس می‌توان عنوان کرد که تقریباً تمام دیدگاه‌های موجود در تئوری سرمایه اجتماعی در تاکید بر اعتماد (تعمیم یافته یا برون گروهی) به عنوان جزء اصلی سرمایه اجتماعی که بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک موثر است، اشتراک دیدگاه دارند. به عنوان مثال، اینگلهارت و ولزل (۲۰۰۹)، پاکستون (۱۹۹۹ & ۲۰۰۲)، مارگارت تاویت (Tavits, ۲۰۰۹) و پیلایی و همکاران (۲۰۱۱) در سنجش‌ها و پیمایش‌های خود در رابطه با دموکراسی یا ارزش‌های دموکراتیک، اعتماد تعمیم یافته را به عنوان جزء اصلی سرمایه اجتماعی در نظر گرفته‌اند.

۲. اطمینان به نهادهای عمومی و اعتماد سیاسی

نهادهای همچون سنت‌های اجتماعی ضامن اجرای خود هستند و در یک جامعه مدرن می‌توانند به عنوان واسطه و تعمیم دهنده اعتماد عمل کنند (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۲۴۱). از نگاه محققان تئوری فرهنگ سیاسی، پوپولیسم یا توده گرایی زمانی به منصف ظهور می‌رسد که اطمینان به نهادها و به ویژه نهادهای حوزه سیاسی رو به کاستی نهد. در حقیقت توده گرایی نوعی سیاست است که در آن اعتبار نهادی در جایگاه بسیار پایینی قرار گرفته و توده‌های بی شکل و پراکنده با دور زدن نهادهای جامعه مدنی و گروه‌های

^۱ Subject Political Culture

ساختاری آن اعم از طبقه، منطقه، مذهب و... حمایت از یک فرد خاص (کاریزما) را برمی‌گزینند. بدین ترتیب سیاست توده‌گرایانه میان بری‌فرانهادی به سوی اعتماد سیاسی و شخصی کردن این اعتماد به شمار می‌آید (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۲۵۸). همچنین، هنگامی که نهادها از جذب اعتماد مردم ناتوان می‌مانند، بیشتر معاملات ماهیتی موضعی، محدود و کوتاه مدت یافته و سرمایه‌گذاری کلان در هیچ حوزه‌ای روی نخواهد داد. نبود اعتماد و اطمینان به نهادها همچنین سبب تقویت مکانیسم‌های خروج^۱ می‌شود که از نظر سیاسی شامل اقداماتی مانند: خودداری از رای دادن و عدم مشارکت در انجمن‌ها و تشکل‌ها و از نظر اقتصادی شامل مهاجرت، پس‌انداز ارزی و ترجیح کالای خارجی است (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۲۶۱). یافته‌های ریچارد رز در مطالعه سرمایه اجتماعی روسیه حاکی از ضعف سرمایه اجتماعی روسیه و پناه بردن مردم به شبکه‌های زیرزمینی جهت انجام امور خود است. به زعم وی این امر ناشی از پدیده‌ای است که وی آن را «شکست سازمانی» نام نهاده است. اشاره وی به وضعیتی است که در آن تعداد سازمان‌ها زیاد، اما قابلیت انجام امور و کارآیی آنها بسیار کم بوده و در نتیجه از سوی شهروندان فاقد اعتبار تشخیص داده می‌شوند. در چنین شرایطی، تماس‌های شخصی، رشوه، اعمال فشار، پارتی بازی و... از ابزارهای انجام امور هستند. همین عدم تعهد به قانون و هنجارهای مدنی، جامعه روسیه را در یک وضعیت «ضد مدرن» قرار داده و حاکمیت قانون را با تردید جدی مواجه کرده است (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۲۶۵).

برهم و راهن (۱۹۹۷) نیز، استدلال می‌کنند که سطوح بالاتر سرمایه اجتماعی را نه فقط بر اساس سطوح بالاتر اعتماد تعمیم یافته اجتماعی و مشارکت در امور مدنی، بلکه همچنین بر مبنای سطوح بالاتر اعتماد به دولت باید اندازه‌گیری کرد. استدلال آنها ریشه در نظریه دموکراتیک دهه ۱۹۵۰ دارد که به بهترین شکلی در مطالعه آلموند و

^۱Exit Mechanism

وربا با عنوان «فرهنگ مدنی» تجلی یافته و هنوز هم از مقبولیت زیادی برخوردار است. از نظر آنها اعتماد به دولت و نهادهای دولتی، یکی از مولفه‌های حامی دموکراسی‌های پایدار و در نتیجه فرهنگ مدنی تلقی شده است (تاجبخش، ۱۳۸۹: ۳۹۲). از نظر پاکستون (Paxton, 99) اطمینان به نهادها که او از آن به عنوان اعتماد انتزاعی یاد می‌کند، فقط دربرگیرنده نهادهای دولتی نیست، بلکه نهادهای حوزه عمومی، انجمن‌های مدنی و گروه‌ها و اصناف را نیز در بر می‌گیرد. او قضاوت جامعه در مورد رعایت تعهدات اخلاقی پزشکان، درستکاری معلمان و اعتماد به نهادهای خیریه و حقوق بشری را بازتابی از اعتماد کلی و تعمیم یافته در جامعه در نظر می‌گیرد. اینگلهارت نیز در سنجش اطمینان به نهادها بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک دو نوع از اطمینان به نهادها را مورد سنجش قرار می‌دهد: اطمینان به نهادهای دولتی و اطمینان کلی به نهادها که همه نهادهای دولتی و عمومی را در بر می‌گیرد.

۳. درستکاری مدنی یا ذهنیت مدنی^۱

یکی از شاخص‌های مورد استفاده پیتروال (Hall: 2002) در سنجش سرمایه اجتماعی بریتانیا، شاخص «انسجام اجتماعی»^۲ برای سنجش میزان پیوستگی فرد به جامعه است. او از این شاخص میزان «متعهد بودن به خود» و «متعهد بودن به دیگران» و درک نقش و وظایف نسبت به شهروندان دیگر را مورد سنجش قرار می‌دهد. حال در بررسی رابطه سرمایه اجتماعی و ارزش‌های دموکراتیک بر اهمیت درستکاری مدنی تأکید کرده و آن را به عنوان پیش شرطی اساسی برای رشد فرهنگ سیاسی تلقی می‌نماید. معتقدان به مبحث درستکاری مدنی بر سازگاری شهروندان با قانون و وفاداری‌شان به قواعد حسن اخلاق یا آنچه آنها «قابلیت اعتماد» می‌نامند، به عنوان منابع

^۱ Civic Minddedness

^۲ Social Integration

اخلاقی حافظ و تقویت کننده دموکراسی تاکید می‌کنند (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۳۲۶). از نگاه آنان، ارزش‌های دموکراتیک و دموکراسی بدون وجود سطحی از تعهد و علقه در بین شهروندان، نخواهد توانست نیروهای گریز از مرکزی را که منافع متعارض و بعضاً متضاد دارند، را مهار کند.

از نظر بعضی از محققان (کروزیه و اتانوکی، ۱۹۵۷؛ لوی و استوکر، ۲۰۰۰؛ روستین، ۲۰۰۰) دموکراسی‌ها بر خلاف دیکتاتوری‌ها توانایی سرکوب‌کنندگی را تنها به تحمیل قانون محدود می‌کنند. پس دموکراسی بیش از هر نظام حکومتی دیگر بر اطاعت داوطلبانه شهروندان یا آنچه آنها متابعت هنجاری می‌نامند، مبتنی است. آنها قابلیت اعتماد و درستکاری مدنی را مهمترین پایه‌های ارزشی حافظ و تقویت کننده دموکراسی می‌دانند (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۳۲۶) از دیدگاه آنها، دموکراسی نظامی آسیب‌پذیرتر و مشروط‌تر از سایر نظام‌ها است؛ بنابراین تنها کنشگرانی که اعتماد ویژه‌ای به برون‌دادهای سیاست دموکراتیک دارند با نظام همکاری خواهند کرد (تیلی، ۱۳۹۰: ۹۰). تا آنجا که به تئوری فرهنگ سیاسی مربوط است، متعهد بودن افراد جامعه به خیر عمومی و پیروی از قوانین عرفی و مدنی نشان از تمایل افراد برای همکاری در چارچوب کنش جمعی و اعتماد به هم‌شهریان و برعکس؛ تخطی گسترده از قانون و هنجارهای مدنی سبب رواج اپورتونیسیم سیاسی و تمایل افراد برای دور زدن قواعد بازی دموکراتیک دارد (Jones: ۲۰۰۸).

جمع بندی: چارچوب نظری

فرهنگ سیاسی از جمله مولفه‌های مهم در گذار به دموکراسی است که در سال‌های اخیر چشم‌پوشی از آن ناممکن شده است. مطالعات مرتبط با فرهنگ سیاسی با آثار متفکرانی چون آلموند و وربا و لوسین پای و دیگران برجستگی ویژه‌ای یافت. در سال‌های اخیر، رونالد اینگلهارت و همکاران توجه ویژه‌ای بر ارائه و ارزیابی

شاخصی نو و متناسب با شرایط معاصر از فرهنگ سیاسی نموده‌اند. بحث اصلی آنها در شاخص فرهنگ سیاسی، اهمیت آن برای توانمندسازی انسانی است که در چارچوب نظریه توسعه انسانی مطرح می‌شود. شاخص اصلی آنها ارزش‌های ابراز وجود (۱۳۸۹) یا رهاینده (۲۰۰۹) بر ابعاد استقلال، مشارکت، تساهل و برابری جنسیتی تأکید دارد. علاوه بر آن، از جمله مولفه‌های اثرگذار بر فرهنگ سیاسی، سرمایه اجتماعی یا به عبارتی دقیق‌تر شاخص‌های سرمایه اجتماعی است. از این منظر مباحثی مانند: بحث فضیلت مدنی رابرت پاتنام (۱۹۹۵)؛ توانمندسازی نهادی شهروندان آلموند و وربا (۱۹۶۳)؛ قدرت پیوندهای ضعیف گرانووتر (۱۹۷۰)؛ اعتماد تعمیم یافته زتومکا و اعتماد انتزاعی پاستون (۱۳۸۶؛ ۲۰۰۲)؛ شبکه‌های اجتماعی ریچارد رز (۱۳۸۹) و درستکاری مدنی پیترهال (۲۰۰۲) از جمله مباحث نظری درخور توجه در راستای پیوند و اثر شاخص‌ها و ابعاد سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی می‌باشند. این مطالعه با تأکید بر نوع‌شناسی اینگلهارت و همکاران از فرهنگ سیاسی و با توجه به مقوله‌های سرمایه اجتماعی مطرح شده در نظریات سرمایه اجتماعی در راستای مطالعه فرهنگ سیاسی گام برداشته است.

روش پژوهش

الف: روش تجزیه و تحلیل و نرم افزار

روش تحقیق این پژوهش مبتنی بر تحلیل ثانویه است. به منظور آزمون پایایی مدل‌های اصلی تحقیق (مدل فرهنگ سیاسی یا ارزش‌های ابراز وجود) و تایید مدل نظری، از مدل سازی معادله ساختاری استفاده شده است. جمعیت آماری این پژوهش، تمام ایران و واحد تحلیل، استان‌های آن است. پس از آن که مقبولیت مدل به لحاظ پایایی و اعتبار مشخص گردید، فرضیه اصلی یعنی میزان تاثیر شاخص‌های سرمایه

اجتماعی بر نگرش‌های دموکراتیک در سطح استانی با استفاده از رگرسیون مورد سنجش قرار گرفته است.

ب: داده‌ها

داده‌های مورد استفاده برای آزمون فرضیه اصلی تحقیق از مجموعه داده‌های پیمایش جهانی ارزش‌ها WVS، موج پیمایش سال‌های ۲۰۰۵ تا ۲۰۰۸ گرفته شده است. این پیمایش در ایران در سال ۲۰۰۷ با ۲۶۶۷ نمونه آماری به انجام رسیده است.^۱ در این مجموعه داده‌ها استان محل سکونت پاسخگو، در یکی از متغیرهای آن ثبت شده است، پس امکان مقایسه میزان ارزش‌های رهایی بخش پاسخگویان به تفکیک استانی مهیا شده است. در این پژوهش استان‌هایی که تعداد نمونه آنها در مجموعه داده‌ها زیر ۴۰ نفر بودند، حذف شدند. پس تحلیل ما مبتنی بر ۲۱ استان از مجموع استان‌های ایران بوده و با در نظر گرفتن استان‌های خراسان جنوبی و شمالی که داده‌های آنها در استان خراسان رضوی ادغام شده‌اند در مجموع تحلیل‌ها مبتنی بر ۱۹ استان باقی مانده خواهد بود. همچنین برای تکمیل داده‌های مربوط به سرمایه اجتماعی استان‌ها در شاخص تعداد سازمان‌های غیردولتی از داده‌های گردآوری شده توسط معاونت امور اجتماعی و فرهنگی وزارت کشور بهره برده شده است^۲ توزیع نمونه

۱- سازمان جهانی پیمایش ارزش‌ها (World Values Survey) که نهادی غیردولتی و متشکل از متخصصان و دانشمندان علوم اجتماعی است، از سال ۱۹۸۰ به منظور رصد روند و سویه‌های تغییر در ارزش‌ها و نگرش‌های جهانیان اقدام به پیمایش‌های گسترده‌ای نموده است. این سازمان تاکنون توانسته است پنج موج پیمایش به انجام رسانده و در آخرین آن ۹۷ کشور و تقریباً بیش از ۹۰ درصد مردم جهان را زیر پوشش این پیمایش‌ها قرار دهد. تمام داده‌های گردآوری شده توسط این نهاد جهت استفاده استادان، دانشجویان و علاقه‌مندان این حوزه در آدرس اینترنتی آن به نشانی <http://www.worldvaluessurvey.org/> در دسترس می‌باشد.

۲- این داده‌ها مربوط به تنها سرشماری از نهادهای غیر دولتی در ایران در سال ۱۳۸۳ (تقریباً همزمان با سال پیمایش جهانی ارزش‌ها) بوده و در آن به تفکیک نوع فعالیت و استان محل فعالیت، تقریباً تمام نهادهای غیردولتی فعال مورد سرشماری قرار گرفته‌اند.

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ... ۲۶۷

مورد مطالعه بر حسب جنس، سن، مذهب، قومیت و استان محل سکونت، در جدول ۲ گزارش شده است.



سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ... ۲۶۹

۱,۳	۴۹,۱	۴۹,۶	۰,۲	۰,۴	۰,۶	۱,۳	۹۶,۷	۰,۹۲	۰	۰	۲,۲	۰,۶	۰,۷	۹,۲	۸۶,۳	۱۶,۷	۳۹,۶	۴۳,۷	۲۳	درصد		
۴	۱۳۳	۱۳۰		۰	۰	۱۰	۲۵۵	۵	۱	۱	۱	۶	۱	۲۱	۲۳۱	۲۹	۱۱۲	۱۱۸	۲۶۷	فراواز	خراسان ی	۶
۱,۵	۴۹,۸	۴۸,۷		۰	۰	۳,۷	۹۵,۵	۱,۹	۰,۴	۰,۴	۰,۴	۲,۲	۰,۴	۷,۹	۸۶,۵	۱۰,۹	۴۱,۹	۴۴,۲	۱۱,۴	درصد		
۱	۶۳	۶۵	۱	۱	۱	۱۴	۱۱۲	۱	۰	۵۸	۴	۰	۹	۱	۵۶	۱۲	۵۹	۵۸	۱۲۹	فراواز	خوزستان ی	۷
۰,۸	۴۸,۸	۵۰,۴	۰,۸	۰,۸	۰,۸	۱۰,۹	۸۶,۸	۰,۸	۰	۴۵	۳,۱	۰	۷	۰,۸	۴۳,۴	۹,۳	۴۵,۷	۴۵	۵,۵	درصد		
۰	۳۲	۳۸	۰	۰		۴۴	۲۶		۳۴	۰	۰	۰	۰	۱	۳۵	۵	۲۹	۳۶	۷۰	فراواز	سیستان و بلوچستان ی	۸
۰	۴۵,۷	۵۴,۳	۰	۰	۰	۶۲,۹	۳۷,۱		۴۸,۶	۰	۰	۰	۰	۱,۴	۵۰	۷,۱	۴۱,۴	۵۱,۴	۳	درصد		
۰	۷۷	۷۳	۵	۰	۰	۰	۱۴۵	۲	۰	۰	۳	۰	۲	۱۱	۱۳۲	۶	۶۱	۸۳	۱۵۰	فراواز	فارس ی	۹
۰	۵۱,۳	۴۸,۷	۳,۳	۰	۰	۰	۹۶,۷	۱,۳	۰	۰	۲	۰	۱,۳	۷,۳	۸۸	۴	۴۰,۷	۵۵,۳	۶,۴	درصد		
۰	۲۳	۲۱	۲	۰	۰	۰	۴۲	۰	۰	۰	۰	۰	۱	۴	۳۹	۱	۱۹	۲۴	۴۴	فراواز	قم ی	۱۰
۰	۵۲,۳	۴۷,۷	۴,۵	۰	۰	۰	۹۵,۵	۰	۰	۰	۰	۰	۲,۳	۹,۱	۸۸,۶	۲,۳	۴۳,۲	۵۴,۵	۱,۹	درصد		
۵	۲۲	۱۷	۰	۰	۰	۲	۴۲	۳	۰	۰	۶	۱	۲	۴	۲۸	۴	۲۱	۱۹	۴۴	فراواز	قزوین ی	۱۱

۲۷۰ فصلنامه علوم اجتماعی شماره ۵۹

۱۱,۴	۵۰	۴۳,۶	۰	۰	۰	۴,۵	۹۵,۵	۶,۸	۰	۰	۱۳,۶	۲,۳	۴,۵	۹,۱	۶۳,۶	۹,۱	۴۷,۷	۴۳,۲	۱,۹	درصد		
۰	۴۳	۴۶	۱	۰	۰	۰	۸۸	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۸۶	۱۶	۴۰	۳۳	۸۹	فراوازی	کرمان	۱۲
۰	۴۸,۳	۵۱,۷	۱,۱	۰	۰	۰	۹۸,۹	۳,۴	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۶,۶	۱۸	۴۴,۹	۳۷,۱	۳,۸	درصد		
۰	۲۹	۳۱	۰	۰	۰	۲	۵۸	۱	۰	۰	۰	۱	۰	۱۶	۴۲	۱	۲۶	۳۳	۶۰	فراوازی	گلستان	۱۳
۰	۴۸,۳	۵۱,۷	۰	۰	۰	۳,۳	۹۶,۷	۱,۷	۰	۰	۰	۱,۷	۰	۲۶,۷	۷۰	۱,۷	۴۳,۳	۵۵	۲,۶	درصد		
۲	۵۰	۴۸	۰	۰	۰	۲	۹۷	۰	۰	۰	۰	۶۳	۰	۸	۲۹	۱	۵۷	۴۲	۱۰۰	فراوازی	گیلان	۱۴
۲	۵۰	۴۸	۰	۰	۰	۲	۹۷	۰	۰	۰	۰	۶۳	۰	۸	۲۹	۱	۵۷	۴۲	۴,۳	درصد		
۰	۳۵	۳۵	۱	۰	۰	۱	۶۸	۱	۰	۰	۵۹	۰	۱	۰	۹	۳	۱۵	۵۲	۷۰	فراوازی	لرستان	۱۵
۰	۵۰	۵۰	۱,۴	۰	۰	۱,۴	۹۷,۱	۱,۴	۰	۰	۸۴,۳	۰	۱,۴	۰	۱۲,۹	۴,۳	۷۴,۳	۲۱,۴	۳	درصد		
۱	۶۰	۵۹	۰	۰	۰	۳	۱۱۴	۱	۰	۰	۰	۲	۰	۱	۱۱۶	۱۴	۳۶	۷۰	۱۲۰	فراوازی	مازندران	۱۶
۰,۸	۵۰	۴۹,۲	۰	۰	۰	۲,۵	۹۵	۰,۸	۰	۰	۰	۱,۷	۰	۰,۸	۹۶,۷	۱۱,۷	۳۰	۵۸,۳	۵,۱	درصد		
۲	۲۹	۲۹	۰	۰	۰	۰	۶۰	۰	۰	۰	۱	۰	۰	۵	۵۴	۱۲	۱۷	۳۱	۶۰	فراوازی	مرکزی	۱۷

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ... ۲۷۱

۳,۳	۴۸,۳	۴۸,۳	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۱,۷	۰	۰	۸,۳	۹۰	۲۰	۲۸,۳	۵۱,۷	۲,۶	درصد		
۰	۲۱	۲۴	۰	۰	۰	۱۰	۳۵	۱	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۴	۱۴	۱۸	۱۳	۴۵	فراواز	هرمزگان ی	۱۸
۰	۴۶,۷	۵۳,۳	۰	۰	۰	۲۲,۲	۷۷,۸	۲,۲	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۹۷,۸	۳۱,۱	۴۰	۲۸,۹	۱,۹	درصد			
۰	۳۵	۳۴	۱	۲	۰	۲	۶۴	۰	۰	۰	۰	۱	۰	۳۷	۳۱	۲	۲۷	۴۰	۶۹	فراواز	همدان ی	۱۹	
۰	۵۰,۷	۴۹,۳	۱,۴	۲,۹	۰	۲,۹	۹۲,۸	۰	۰	۰	۰	۱,۴	۰	۵۳,۶	۴۴,۹	۲,۹	۳۹,۱	۵۸	۲,۹	درصد			
۰	۲۲	۲۷	۱	۰	۰	۴۵	۳	۰	۰	۰	۰	۰	۴۷	۰	۲	۵	۲۱	۲۳	۴۹	فراواز	کردستان ی	۲۰	
۰	۴۴,۹	۵۵,۱	۲	۰	۰	۹۱,۸	۶,۱	۰	۰	۰	۰	۰	۹۵,۹	۰	۴,۱	۱۰,۲	۴۲,۹	۴۶,۹	۲,۱	درصد			
۱	۲۹	۴۰	۰	۱	۰	۱۵	۵۳	۰	۰	۰	۰	۰	۲۶	۰	۴۴	۷	۲۱	۴۲	۷۰	فراواز	کرمانشاه ی	۲۱	
۱,۴	۴۱,۴	۵۷,۱	۰	۱,۴	۰	۲۱,۴	۷۵,۷	۰	۰	۰	۰	۰	۳۷,۱	۰	۶۲,۹	۱۰	۳۰	۶۰	۳	درصد			
۰	۲۰	۲۰	۰	۰	۰	۰	۴۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۴۰	۰	۱۳	۱۷	۱۰	۴۰	فراواز	زنجان ی	۲۲	
۰	۵۰	۵۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۰	۰	۰	۰	۰	۱۰۰	۰	۳۲,۵	۴۲,۵	۲۵	۱,۷	درصد			
۲۶	۱۱۶۲	۱۱۵۵	۱۶	۵	۴	۱۴۲	۲۱۶۴	۲۵	۳۵	۵۹	۸۶	۷۷	۵۰	۴۱۷	۱۵۹۴	۲۶۱	۹۲۲	۱۱۵۲	۲۳۴۳	فراواز	کل		

																				ی
۱,۱	۴۹,۶	۴۹,۳	۰,۷	۰,۲	۰,۲	۶,۱	۹۲,۴	۰,۱	۱,۵	۲,۵	۳,۷	۳,۳	۲,۱	۱۸,۲	۶۸	۱۱,۲	۳۹,۴	۴۹,۳	۱۰۰	درصد



ج. متغیرها، مدل‌های اندازه‌گیری و اعتبار سازه فرهنگ سیاسی دموکراتیک

برای اندازه‌گیری ارزش‌های دموکراتیک شاخص‌های گوناگونی به کار رفته است؛ به عنوان مثال ویجیان پیلای و همکاران (Pilai.V & et al, 2011) که در فاصله سال‌های ۲۰۰۵-۲۰۰۶ در پیمایشی در چهار کشور آمریکای لاتین به سنجش رابطه سرمایه اجتماعی و نگرش‌های دموکراتیک پرداخته‌اند، ارزش‌های دموکراتیک را با چهار سوال درباره ۱- میزان دموکراتیک بودن قوانین محلی ۲- نگرش به آزادی اندیشه ۳- نگرش به آزادی بیان و ۴- نگرش به آزادی مذهب مورد سنجش قرار داده‌اند.

مدل اندازه‌گیری برای سازه اصلی ارزش‌های دموکراتیک در این مطالعه برگرفته از مدل ارزش‌های ابراز وجود اینگلهارت و ولزل (Inglehart and Welzel, 20۰۹) است. هرچند این مدل کمی پیچیده است، اما نسبت به مدل‌های مشابه تعداد بیشتری از ارزش‌های دموکراتیک را در برمی‌گیرد. مدل مشتمل بر پنج متغیر پنهان است که علاوه بر سازه اصلی فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود)، فرامادی‌گرایی، متغیرهای استقلال، برابری جنسیتی و ارزش‌های دموکراتیک را هم در بر می‌گیرد.

ارزش‌های فرامادی‌گرایانه ناظر به تغییر نگرش افراد از تاکید بر بقا و امنیت فیزیکی و نیز تامین نیازهای معیشتی (نگرش‌های ماتریالیستی) به نگرش‌هایی که هرچه بیشتر بر انتخاب انسانی، اخلاق، محیط زیست، تساهل و آزادی بیان و اندیشه است، می‌باشد (Ibid).

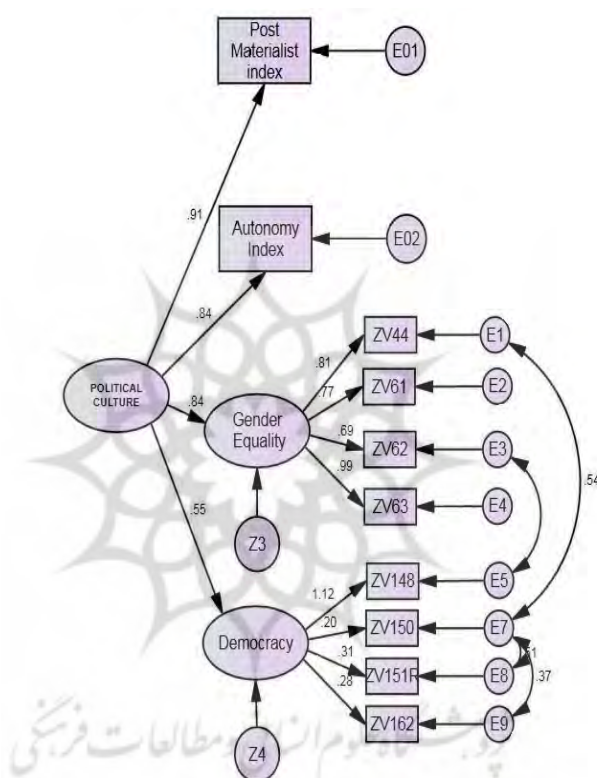
اینگلهارت شش اولویت و شاخص اصلی را برای ارزش‌های مادی گرا یا ماتریال معین می‌کند: مبارزه با تورم، گسترش رشد اقتصادی، حفظ ثبات اقتصادی، حفظ نظم، مبارزه با افزایش جرم، و جنایت، و حفظ و تقویت نیروهای نظامی. شش مورد ارزش‌های فرامادی یا پست ماتریال نیز عبارتند از: نقد بیشتر حکومت، آزادی بیان، سخن بیشتر در مورد مکان کار، زیبایی شهرها و محیط زندگی، تاکید بر رشد ویژگی‌های انسانی و جامعه انسانی، و جامعه‌ای که در آن ایده‌ها بیشتر به حساب می‌آیند. از نظر وی در صورتی که پاسخ دهندگان گزینه‌های اول را انتخاب کنند، نشانه تاکید آنها بر ارزش‌های مادی یا ماتریال و گزینه‌های دوم گویای ارزش‌های فرامادی یا پست ماتریال است (سلیمی، ۱۳۸۷).

اینگلهارت و ولزل از تساهل در رابطه با دگرباشان جنسی، طلاق، روسپیگری و سقط جنین به عنوان یکی از شاخص‌های ارزش‌های رهایی بخش بهره می‌گیرند که در این تحقیق با شاخص نگرش به دموکراسی جایگزین شده است. از آنجا که در مجموعه داده‌های WVS نمره نهایی متغیرهای فرامادی گرایی و استقلال محاسبه شده است، در اینجا نیز به عنوان یک متغیر، یعنی به صورت یک متغیر مشاهده شده در مدل تحقیق استفاده شده است. همچنین متغیرهای برابری جنسیتی و نگرش به دموکراسی هر کدام جداگانه به لحاظ پایایی مورد ارزیابی قرار گرفته‌اند. در نهایت مدل نهایی علاوه بر ارزیابی با آلفای کرونباخ و مقدار ویژه، اعتبار آن با مدل سازی معادله ساختاری (Amos) نیز مورد ارزیابی قرار خواهد گرفت. این کار علاوه بر سنجش برازش مدل، بارهای عاملی هر یک از متغیرها و شاخص‌های فرهنگ سیاسی را برای ما آشکار خواهد کرد. در کل سازه فرهنگ سیاسی شامل متغیرهای زیر خواهد بود:

جدول ۳- سازه فرهنگ سیاسی و متغیرهای آن

ترجیح اظهار نظر و مشارکت در حاکمیت بر نظم و ثبات آمرانه		ارزش‌های فرامادی‌گرایی Post materialism Values	فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود) Self-Expression Values
ترجیح آزادی بیان بر نظم و ثبات آمرانه			
ترجیح دخالت و مشارکت مردم در امور محلی بر مبارزه و مقابله شدید با جرائم			
تاکید بر مستقل بودن		شاخص استقلال Independence	
تاکید بر پشتکار و کوشا بودن			
عدم تاکید بر مطیع و فرمانبردار بودن			
عدم تاکید بر ایمان مذهبی			
V44	مخالفت با در اولویت قرار گرفتن مردها نسبت به زنان در هنگام مواجهه با بیکاری	نگرش به برابری جنسیتی Gender Equality	
V61	مخالفت با این که مردان رهبران سیاسی بهتری هستند		
V62	مخالفت با این که تحصیلات برای پسران مهم تر است		
V63	مخالفت با این که مردان نسبت به زنان مدیران تجاری بهتری هستند		
V148	مخالفت با گویه داشتن رهبر قدرتمند	نگرش به دموکراسی Attitude to democracy	
V150	مخالفت با گویه داشتن حکومت نظامی		
V151	موافقت با داشتن یک رژیم سیاسی دموکراتیک		
V162	اهمیت دموکراسی نزد فرد		

تمام داده‌های WVS برای متغیرهای بالا، پس از تجمیع در سطح استانی و استانداردسازی (محاسبه نمرات Z استاندارد) به مدل فرهنگ سیاسی وارد شده‌اند.



شکل ۱- مدل اندازه‌گیری فرهنگ سیاسی به همراه بارهای عاملی آن

در مدل بالا، متغیرهایی که یا دارای بارهای عاملی کم بوده و یا آن که شاخص‌های برازش آنها در حد قابل قبول نبوده‌اند، از مدل اندازه‌گیری حذف شده‌اند. در مجموع متغیرهای باقی مانده، حاصل پالایش آماری مبنای نظری موجود می‌باشند. همان گونه که دیده می‌شود تمام وزن‌های رگرسیونی دارای بارهای عاملی مثبت و در

حد مناسبی بالا می‌باشند که همین امر نتیجه‌ای منطقی و قابل قبول را از صحت مبانی نظری به نمایش می‌گذارد.

یکی از فاکتورهای برازش مدل‌های معادله ساختاری، کوچک بودن مقدار کای اسکوتر و نزدیک شدن آن به کای اسکوتر مدل اشباع و همزمان نزدیک شدن درجه آزادی آن به مدل استقلال است (قاسمی، ۱۳۸۹: ۱۹۹). وجود کای اسکوتر کوچک و غیر معنادار ($P=0.388$) در مدل تدوین شده با درجه آزادی نسبتاً بالا (۲۶)، نشانه مطلوبی از برازش مدل به حساب می‌آید. همچنین همان گونه که در جدول ۴ نیز مشخص است، نسبت $CMIN/DF$ که دامنه مطلوب برای آن ۱ تا ۵ می‌باشد، در مدل تدوین شده برابر ۱/۰۵۳ است.

جدول ۴- کای اسکوتر و درجه آزادی مدل تدوین شده

مدل	پارامترهای آزاد NPAR	کای اسکوتر CMIN	درجه آزادی DF	سطح معنی داری P	نسبت کای اسکوتر به درجه آزادی $CMIN/DF$
مدل تدوین شده Default model	۲۶	۳۰/۵۳۲	۲۹	۰/۳۸۸	۱/۰۵۳
مدل اشباع شده Saturated model	۵۵	۰/۰	۰		
مدل استقلال Independence model	۱۰	۱۷۷/۳۲۵	۴۵	۰/۰	۳/۹۴۱

جدول ۵ نتایج دیگر اعتبار مدل اندازه گیری فرهنگ سیاسی (ارزش‌های ابراز وجود) را نشان می‌دهد:

جدول ۵- شاخص‌های برازش مدل فرهنگ سیاسی

مدل تدوین شده	شاخص‌ها			نوع شاخص
	دامنه قابل قبول	معادل فارسی	علامت اختصاری	
مدل				
۰/۹۸۸	۰/۹۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی	CFI	تطبیقی
۰/۹۸۲	۰/۹۰ - ۱	شاخص توکر-لویس	TLI	
۰/۵۳۳	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش هنجار شده مقتصد	PNFI	مقتصد
۰/۶۳۷	۰/۵۰ - ۱	شاخص برازش تطبیقی مقتصد	PCFI	
۰/۰۵۰	۰ - ۰/۰۸	ریشه میانگین مربعات خطای برآورد	RMSEA	
۰/۷۸۱	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش	GFI	مطلق
۰/۵۸۵	۰/۹۵ - ۱	شاخص نیکویی برازش اصلاح شده	AGFI	

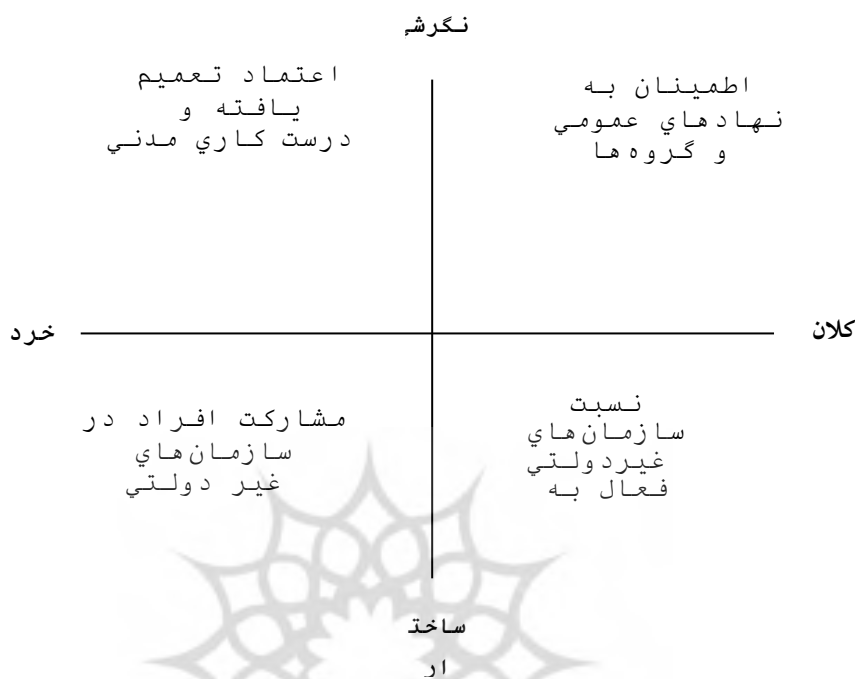
نتایج جدول ۵ نشان می‌دهد که تمام شاخص‌های تطبیقی و مقتصد در دامنه قابل قبول قرار دارند. از آنجا که همین شاخص‌ها نیز، معیارهای اصلی برای قضاوت درباره برازش کلی مدل به حساب می‌آیند، (احمدی و قاسمی، ۱۳۹۰)، در مجموع می‌توان گفت که مدل از برازش قابل قبولی برخوردار است.

د. متغیرها، مدل‌های اندازه‌گیری و اعتبار سازه سرمایه اجتماعی

پیش از ارائه و سنجش شاخص‌ها و متغیرهای سرمایه اجتماعی، باید به دو نکته بنیادی که در طراحی این مدل در نظر گرفته شده‌اند، اشاره شود: اول آنکه سرمایه اجتماعی مفهومی چندبُعدی^۱ (Stone, 2000) و مرکب از متغیرهای نرم و متغیرهای سخت است. به بیان دیگر، سرمایه اجتماعی شامل ابعاد متفاوتی مانند: هنجارها و ارزش‌ها از یک سو و نیز روابط ساختاری درون جامعه (ترکیبات نهادی جامعه و پیوندهای افراد در درون شبکه‌ها و بین آنها) از سوی دیگر می‌باشد. همچنین محققان گوناگون، با اهداف متفاوت و با استراتژی‌های تحقیق متفاوت، شاخص‌های گوناگونی از این مفهوم پیچیده را مورد تاکید قرار داده و بعضاً نیز استفاده از شاخص‌های گوناگون برای سنجش این مفهوم، نتایج متعارض و بعضاً متناقضی به بار آورده است. پس قاعدتاً تقلیل همه این عوامل به یک «سازه پنهان واحداً» اگر غیرممکن نباشد، کاری بس دشوار و پیچیده و مستلزم ترکیب انواع روش‌های تحقیق خواهد بود. به عنوان مثال، هارفام (arpham, 2003) ترکیبی از روش‌های کمی و کیفی را پیشنهاد می‌کند و استون علاوه بر آنها، مدارک و مستندات تاریخی را نیز در تبیین پدیده سرمایه اجتماعی لازم می‌داند. روشه نیز (Roche, 2004: 108) ترکیبی از تکنیک‌های پیمایش به همراه روش‌های کیفی به عنوان مثال، مصاحبه‌های عمیق گروهی را رای سنجش میزان سرمایه اجتماعی یک جامعه خاص پیشنهاد می‌کند. در مجموع، تقلیل کل مدل سرمایه اجتماعی به یک عامل نه به لحاظ نظری و نه به لحاظ روش شناختی فاقد توجیه بوده و در این تحقیق نیز اثر شاخص‌های گوناگون سرمایه اجتماعی بر فرهنگ سیاسی دموکراتیک به صورت جداگانه مورد سنجش قرار گرفته است.

^۱ Multidimensional Concept

^۲ Single Latent Construct



نمودار ۱- نمودار شاخص‌های سرمایه اجتماعی

با توجه به مبانی نظری پژوهش، از پنج شاخص برای تدوین مدل سرمایه اجتماعی بهره برده شده است که عبارتند از: ۱- مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی ۲- نسبت سازمان‌های غیردولتی فعال به جمعیت ۳- اطمینان به نهادهای عمومی و گروه‌ها ۴- اعتماد تعمیم یافته و ۵- درست کاری مدنی.

به پیروی از آپهوف (۱۹۹۹) این شاخص‌ها در دو حوزه نگرشی (ذهنی) - ساختاری (عینی) قرار گرفته و ترکیب شده‌اند. دیدگاه آپهوف به ما این امکان را خواهد داد که سرمایه اجتماعی که در حوزه نگرش‌ها و ارزش‌ها قرار دارد را از سرمایه اجتماعی ساختاری که در بطن روابط و مناسبات عینی جامعه قرار دارد تفکیک نموده و به سنجش هریک به طور جداگانه پردازیم. این شاخص‌ها همچنین از خرد به کلان نیز

۲۸۱ سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ...

قابل تقسیم‌اند. سطوح میانی که بیشتر بر اعتمادهای درون گروهی و روابط نزدیک تاکید دارند با توجه به مبانی نظری و عدم تاثیر بر نگرش‌های دموکراتیک، از مدل حذف گردیدند. جدول ۶ تمام شاخص‌ها و گویه‌های مربوط به سرمایه اجتماعی موثر بر فرهنگ سیاسی در این تحقیق را نشان می‌دهد.

جدول ۶- ابعاد سرمایه اجتماعی

V131	اطمینان به نهادهای مذهبی	اطمینان به نهادهای و گروه‌ها Confidence to Institutions & Groups	نگرشی - ذهنی Attitude- Subjective	سرمایه اجتماعی Social Capital
V132	اطمینان به نیروهای نظامی			
V133	اطمینان به رسانه‌ها			
V134	اطمینان به تلویزیون			
V135	اطمینان به اتحادیه‌های کارگری			
V136	اطمینان به نیروی انتظامی			
V137	اطمینان به قوه قضاییه			
V138	اطمینان به دولت			
V139	اطمینان به احزاب سیاسی			
V140	اطمینان به مجلس			
V141	اطمینان به نهادهای ارائه دهنده خدمات اجتماعی			
V142	اطمینان به شرکتهای بزرگ			
V143	اطمینان به سازمان حفظ محیط زیست			
V144	اطمینان به جنبش زنان			
V145	اطمینان به نهادهای خیریه و حقوق بشری			
V23	بیشتر مردم قابل اعتمادند	اعتماد تعمیم یافته Generalized Trust		

V198	قابل قبول بودن دریافت کمک‌های دولتی بدون داشتن استحقاق	درست کاری مدنی Civil Honesty		
V199	قابل قبول بودن پرداخت نکردن هزینه حمل و نقل شهری			
V200	قابل قبول بودن تقلب در مالیات			
V201	قابل قبول بودن پذیرش رشوه			
	شامل: سازمان‌های آموزشی، اجتماعی، ادبی، بهداشت و درمان، پولی و قرض الحسنه، توانبخشی، حمایتی، آسیب دیدگان اجتماعی، علمی و پژوهشی، عمران و آبادانی، فرهنگی، گردشگری، محیط زیست، مذهبی، خیریه و بشردوستانه، ورزشی، هنری و سایر	نسبت سازمان‌های غیردولتی به جمعیت استان Ratio of NGOs per ۱۰,۰۰۰	ساختاری- عینی Structural- Objective	
V24	عضویت در سازمان‌های مذهبی	مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی Participation in NGOs		
V25	عضویت در باشگاه‌های ورزشی و تفریحی			
V26	عضویت در انجمن‌های هنری، موسیقی و آموزشی			
V27	عضویت در اتحادیه‌های کارگری			
V28	عضویت در احزاب سیاسی			
V29	عضویت در سازمان‌های محیط زیستی			
V30	عضویت در سازمان‌های تخصصی			
V31	عضویت در سازمان‌های حقوق بشری و خیریه			
V32	عضویت در سازمان‌های مدافع حقوق مصرف کننده			

در جدول ۷ نتایج اعتبار شاخص‌های سرمایه اجتماعی به تفکیک گزارش شده است. همان گونه که دیده می‌شود، تمام مقادیر ویژه بزرگتر از یک و مقادیر آلفای کرونباخ نیز در دامنه قابل قبول قرار داشته و امکان تبدیل هر یک از شاخص‌ها به یک عامل فراهم شده است. از آنجا که اعتماد با یک شاخص تک متغیری بوده به همان صورت در محاسبات وارد می‌شود. همچنین مجموع نهادهای غیر دولتی (NGOs) یا داوطلبانه هر استان نیز به ازای هر صد هزار جمعیت آن استان در محاسبات رگرسیونی وارد شده و با آلفای کرونباخ و نیز تحلیل عاملی اکتشافی مورد بررسی قرار گرفته‌اند.

جدول ۷- نتایج آلفای کرونباخ و مقدار ویژه برای شاخص‌های سرمایه اجتماعی

مقدار ویژه Eigenvalue	آلفای کرونباخ Cronbach's Alpha	متغیر پنهان یا شاخص
۹,۱۴۵	۰,۹۵۱	اطمینان به نهادها و گروه‌ها Confidence to Institutions & Groups
۲,۶۶۰	۰,۸۱۵	درست کاری مدنی Civil Honesty
۵,۷۸۴	۰,۹۲۲	مشارکت افراد در سازمان‌های غیردولتی Participation in NGOs

یافته‌های تحقیق

رتبه‌بندی استان‌ها بر حسب نمره شاخص‌های گوناگون فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی:

رتبه‌بندی که در جدول ۸ گزارش می‌شود بر اساس نمره عاملی هریک از استان‌ها از شاخص یاد شده است. همان گونه که دیده می‌شود، در این رتبه‌بندی استان‌های کردستان، کرمانشاه و تهران در صدر جدول گروه دموکراتیک فرهنگ سیاسی قرار داشته و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و زنجان به ترتیب در انتهای جدول قرار گرفته‌اند. همچنین، رتبه‌های قریب به اتفاق هر یک از استان‌ها در شاخص‌های مربوط به فرهنگ سیاسی از هماهنگی نسبی برخوردار است و این خود حاکی از مناسب بودن سنجه مورد استفاده و مکمل بودن این شاخص‌ها برای ارزیابی فرهنگ سیاسی دموکراتیک است. همچنین میان رتبه عاملی فرهنگ سیاسی استان‌ها با سه شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد تعمیم یافته، مشارکت در سازمان‌های غیردولتی و نسبت تعداد سازمان‌های غیردولتی به جمعیت همخوانی وجود دارد. این هماهنگی رتبه‌ها برای استان‌هایی مانند اصفهان، خراسان، سیستان و بلوچستان، کردستان و کرمانشاه چشمگیرتر است. این نسبت برای اعتماد به نهادها تقریباً عکس می‌شود. به عنوان مثال کردستان که در رتبه یک فرهنگ سیاسی قرار دارد، در رتبه‌بندی اطمینان به نهادها در انتهای جدول قرار می‌گیرد. این تفاوت برای استان‌های دیگری مانند اردبیل، تهران، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه و هرمزگان نیز قابل مشاهده است.

جدول ۸- رتبه‌های استان‌ها بر اساس شاخص‌های فرهنگ سیاسی و سرمایه اجتماعی

رتبه در ستکاری مدنی	سرمایه اجتماعی				فرهنگ سیاسی					استان	ردیف
	رتبه نسبت سازمان‌های غیردولتی به جمعیت	رتبه مشارکت در سازمان‌های غیردولتی	رتبه اطمینان به نهادها	رتبه اعتماد تعمیر یافته	رتبه فرهنگ سیاسی	رتبه شاخص نگرش به دموکراسی	رتبه شاخص برابری جنسیتی	رتبه شاخص استقلال	رتبه شاخص ارزش‌های فرامادی گرایانه		
۱۰	۱۲	۳	۱۵	۱۱	۱۲	۵	۱۲	۱۴	۱۳	آذربایجان شرقی	۱
۱۹	۱۳	۲	۱۶	۱۲	۵	۶	۵	۱۲	۱۰	آذربایجان غربی	۲
۷	۳	۱۵	۲	۱۸	۱۴	۳	۱۶	۱۵	۹	اردبیل	۳
۱۱	۱۱	۷	۱۱	۱۰	۱۰	۹	۱۰	۱۱	۱۲	اصفهان	۴
۹	۱۴	۱۶	۱۸	۸	۳	۸	۴	۳	۸	تهران	۵
۱۳	۱۶	۱۲	۶	۶	۱۶	۱۴	۱۵	۱۴	۱۶	خراسان	۶
۱۵	۱۸	۶	۱۷	۵	۷	۱۸	۱۳	۲	۵	خوزستان	۷
۵	۶	۱۸	۸	۱۶	۱۹	۱۲	۱۹	۱۹	۱۹	زنجان	۸
۱۷	۱۹	۱۴	۴	۱۴	۱۷	۱۵	۱۴	۱۸	۱۷	سیستان و بلوچستان	۹
۱۴	۴	۹	۹	۷	۱۲	۱۶	۶	۹	۱۵	فارس	۱۰
۳	۲	۸	۱۹	۱	۱	۱	۱	۱	۱	کردستان	۱۱
۱۸	۱۷	۱۷	۳	۱۳	۱۱	۱۹	۹	۴	۶	کرمان	۱۲
۶	۹	۵	۱۲	۴	۲	۲	۳	۸	۲	کرمانشاه	۱۳
۱۶	۱۵	۱۱	۱۳	۱۵	۶	۴	۱۱	۶	۷	گیلان	۱۴
۸	۱۰	۴	۱۴	۳	۹	۱۰	۷	۷	۱۴	لرستان	۱۵
۲	۸	۱	۱۰	۱۷	۴	۱۱	۲	۱۰	۴	مازندران	۱۶
۴	۱	۱۰	۷	۹	۸	۱۳	۱۷	۵	۳	مرکزی	۱۷
۱	۵	۱۹	۱	۲	۱۸	۷	۱۸	۱۷	۱۸	هرمزگان	۱۸
۱۲	۷	۱۳	۵	۱۹	۱۵	۱۷	۸	۱۶	۱۱	همدان	۱۹

پس از تایید اعتبار شاخص‌ها، در این بخش میزان تاثیر شاخص‌های سرمایه اجتماعی بر بروز ارزش‌های دموکراتیک مورد محاسبه قرار می‌گیرد. در این مرحله ابتدا مجموع متغیرهای هرکدام از شاخص‌های سرمایه اجتماعی و نیز ارزش‌های دموکراتیک به یک عامل تقلیل یافته و سپس محاسبه تاثیر رگرسیونی متغیر مستقل بر متغیر وابسته انجام می‌پذیرد، تا میزان تاثیر تبیین کنندگی شاخص‌های سرمایه اجتماعی هر استان بر تبیین فرهنگ سیاسی دموکراتیک آن استان مشخص شود.

تحلیل چند متغیره

با توجه به آن که روابط میان حوزه نگرشی سرمایه اجتماعی و مولفه درستکاری مدنی و همچنین رابطه تعداد سازمان‌های مردم نهاد از عناصر حوزه ساختاری سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی معنادار نبود، می‌توان عنوان نمود که گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی در استان‌های ایران با سرمایه اجتماعی ساختاری، سطح اعتماد تعمیم یافته و میزان مشارکت فردی رابطه دارد. اگرچه باید عنوان نمود که ارتباط آن با میزان اعتماد به نهادها معنادار و معکوس بوده است. از این رو برای انجام تحلیل دقیق‌تر، با استفاده از روش رگرسیون چند گانه باروش گام به گام سهم تمام متغیرهای زمینه‌ای و اصلی (مسلم) پژوهش در تبیین واریانس گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی مورد بررسی قرار گرفت که در نهایت و به ترتیب جدول ۹، متغیرهایی که رابطه معناداری با فرهنگ سیاسی داشتند، وارد مدل شدند.

جدول ۹- سهم متغیرهای مورد مطالعه در روش رگرسیون گام به گام

متغیرهای مستقل	r^2	f	sig
اطمینان به نهادها	.۳۷۱	۱۱.۶۲۸	۰/۰۰۲
اطمینان به نهادها، اعتماد تعمیم یافته	.۴۸۰	۹.۲۹۹	۰/۰۰۱
اطمینان به نهادها، اعتماد تعمیم یافته، مشارکت فردی	.۵۷۵	۹.۸۱۲	۰/۰۰۰

بر اساس اطلاعات جدول ۹، متغیرهای اعتماد تعمیم یافته، مشارکت فردی و حالت معکوس متغیر اطمینان به نهادها ۵۷/۵ درصد از واریانس ارزش‌های ابراز وجود یا گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی را تبیین می‌کنند ($r = 0/804$ و $r^2 = 0/575$). به منظور مقایسه ضریب تبیین و پیش بینی هر یک از متغیرهای مورد مطالعه جدول ۱۰ ارائه می‌شود.

جدول ۱۰- ضرایب تبیین و پیش بینی متغیر وابسته

سطح معناداری	مقدار F	معناداری	t	ضرایب	ضرایب		اجزا جدول	
				استاندارد شده	انحراف	B		
				Beta	معیار			
۰/۰۰۱	۹/۱۰۵	۰/۰۰۱	۳/۲	-	۰/۳۷۶	۳/۱۲	Constant (ثابت)	
		۰/۰۰۳	-۳/۴۱۰	-۰/۲۷۴	۰/۲۲۴	-۰/۲۹۵	اعتماد به نهادها	X1
		۰/۰۰۰	۲/۹۶۴	۰/۴۹۷	۰/۵۰۴	۱/۴۹۳	اعتماد تعمیم یافته	X2
		۰/۰۰۰	۲/۱۳۷	۰/۴۴۲	۰/۲۷۳	۰/۵۸۴	مشارکت فردی	X3

بر اساس جدول ۱۰ نخست باید عنوان نمود که با توجه به مقدار F (۹/۱۰۵) و معناداری این آماره می‌توان بر خطی بودن معادله و رابطه رگرسیونی صحت گذاشت. جدول ۱۰، همچنین قدرت پیش‌بینی شاخص‌های گوناگون سرمایه اجتماعی که تاثیر آنها بر بروز ارزش‌های ابراز وجود معنادار شده است را به نمایش می‌گذارد. بر این اساس، اعتماد تعمیم یافته که از شاخص‌های اصلی سرمایه اجتماعی در حوزه نگرشی به

شمار می‌آید، دارای بیشترین میزان ضریب تاثیر رگرسیونی (۰/۴۹۷) بر ارزش‌های ابراز وجود یا گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی است. به همین ترتیب، مشارکت افراد در سازمان‌ها و نهادهای غیردولتی که از شاخص‌های زیرمجموعه سرمایه اجتماعی ساختاری است، حاکی از تاثیر بسزای آن (۰/۴۴۲) در معادله رگرسیونی ارزش‌های ابراز وجود است. اما برای شاخص اطمینان به نهادها و گروه‌ها که در زیرمجموعه سرمایه اجتماعی نگرشی و کلان طبقه‌بندی شده است، برخلاف دو شاخص پیشین، شاهد تاثیر منفی آن در میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود هستیم و براین اساس می‌توان گفت هرچه اطمینان به نهادها و گروه‌ها در جامعه افزایش یابد، به نسبت سهم شاخص (۰/۲۷۴-)، شاهد کاهش در میزان ارزش‌های ابراز وجود خواهیم بود. همچنین، معادله رگرسیونی سرمایه اجتماعی مبتنی بر ضرایب استاندارد نشده را می‌توان چنین گزارش داد:

$$\text{فرهنگ سیاسی دموکراتیک} = ۳/۱۲ + ۰/۲۹۵(x^{\square}) + ۱/۴۹۳(x^{\blacksquare}) + ۰/۵۸۴(x^{\blacksquare})$$

همچنین براساس ضرایب رگرسیونی استاندارد شده (Beta)، می‌توان میزان بروز ارزش‌های ابراز وجود در جامعه را با استفاده از شاخص‌های سرمایه اجتماعی به شیوه زیر پیش‌بینی کرد:

$$۰/۴۴۲ + ۰/۲۷۴(x^{\blacksquare}) + ۴۹۷(x^{\blacksquare}) = x^{\square} = \text{فرهنگ سیاسی دموکراتیک، ارزش‌های ابراز وجود}$$

صحت قدرت پیش‌بینی معادله بالا وابسته به تایید و گذشتن آن از آزمون هم‌خطی است. ستون آماره‌های هم‌خطی در همان جدول رگرسیون گزارش شده است. دامنه تغییر تولرانس بین (۰) و (۱) قرار داشته و حاکی از آن است که چه مقدار از متغیر مستقل توسط دیگر متغیرهای مستقل تبیین نشده است؛ پس هر چه این مقدار به صفر نزدیک‌تر شود، به همان نسبت احتمال داشتن رابطه خطی متغیر مورد نظر با متغیرهای دیگر بیشتر خواهد شد (حبیب‌پور و صفری، ۱۳۸۸: ۵۰۹-۵۱۰). همچنین مقادیر بالاتر از ۲ در آماره عامل تورم واریانس VIF نشانگر وجود رابطه هم‌خطی در بین متغیرهای مستقل است؛ هرچند بعضی دیگر از محققان، مقادیر بالاتر از ۱۰ را نشانگر وجود این رابطه می‌دانند (منصورفر، ۱۳۸۷: ۱۴۳). در مدل بالا تولرانس

شاخص اعتماد تعمیم یافته حاکی از آن است که دیگر متغیرهای مستقل کمتر از ۰/۱۷ واریانس این متغیر را پوشش می‌دهند. اما در دو متغیر دیگر این میزان افزایش یافته و به حدود ۰/۴۵ در هر کدام از شاخص‌ها می‌رسد، اما VIF هیچ کدام از شاخص‌های حاضر در مدل به ۲ نمی‌رسد که این امر فرض وجود رابطه هم‌خطی در مدل را رد می‌کند. جهت اطمینان بیشتر از عدم وجود رابطه خطی بین متغیرهای مستقل، جدول تشخیص هم‌خطی زیر نیز مورد بررسی قرار گرفت.

جدول ۱۱- جدول تشخیص هم‌خطی

Model	Dimension	Eigen value	Condition Index
مدل	بعد	مقدار ویژه	شاخص وضعیت
۱	۱	۱,۵۶۱	۱,۰۰۰
	۲	۱,۲۲۰	۱,۱۳۱
	۳	۹۳۶.	۱,۲۹۱
	۴	۲۸۳.	۲,۳۵۰

مقادیر ویژه نزدیک به صفر حاکی از وجود رابطه خطی و شاخص وضعیت بزرگتر از ۱۵ احتمال وجود رابطه خطی و بزرگتر از ۳۰ حاکی از وجود قطعی هم‌خطی بین متغیرهاست. همان گونه که در جدول ۱۱ دیده می‌شود، هیچ کدام از مقادیر گزارش شده در دامنه خطر هم‌خطی قرار نمی‌گیرند.

جمع بندی

از زمانی که آلموند و وربا در دهه ۶۰ اقدام به طبقه بندی فرهنگ‌های سیاسی نمودند، آنچه نظریه پردازان فرهنگ سیاسی را به خود مشغول داشته، ریشه‌های وجود و بروز

فرهنگ مدنی در بعضی از جوامع و فقدان آن در برخی دیگر است. در این راستا تاکنون نظریات گوناگونی از سوی اندیشمندان جهت توجیه تفاوت‌های فرهنگی جوامع مطرح شده است. یکی از عوامل موثری که در این راستا بر آن تأکید شده و گاه همسان با فرهنگ سیاسی تلقی شده است، مبحث سرمایه اجتماعی است. امری که پاتنام (۱۳۷۹) پیش تر در بررسی تفاوت‌های عملکردی و نهادی در شمال و جنوب ایتالیا بدان دست یافت. او بر این باور بود که این تفاوت‌ها را باید در تمایزات فرهنگی و سنن، هنجارها و ارزش‌های متفاوت دو منطقه جستجو کرد. از نظر پاتنام، تفاوت‌ها به میزان سرمایه اجتماعی برمی‌گردد که میراث دوره‌های طولانی توسعه تاریخی است و نمی‌توان آن را در بازه‌های زمانی کوتاه مدت افزایش داد (باغینی، ۱۳۸۷: ۲۲).

پیش از ارائه هر گونه نتیجه‌ای باید عنوان کرد که با توجه به محاسبات انجام پذیرفته و همچنین مبتنی بر تئوری‌های ارائه شده سنجش اثر سرمایه اجتماعی همچنان که بسیاری از محققان تأکید نموده‌اند به عنوان شاخصی واحد، امری ناموزون و به لحاظ علمی ناکارآمد است. چه آن که مطابق تعاریف مقوله‌های متفاوت و گاه متضادی در تعریف سرمایه اجتماعی مورد استناد قرار گرفته‌اند. چنین است که در این مطالعه وضعیت سرمایه اجتماعی استان‌ها به عنوان یک شاخص کلی ارائه نشده است.

در این راستا، همان گونه که عنوان شد، نتایج توصیفی تحقیق در رابطه با وضعیت فرهنگ سیاسی استان‌ها حکایت از آن دارد که استان‌های کردستان، کرمانشاه و تهران بالاترین رتبه را در گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی کسب نموده و استان‌های سیستان و بلوچستان، هرمزگان و زنجان به ترتیب در انتهای جدول قرار گرفته‌اند. همچنین، رتبه‌های قریب به اتفاق هر یک از استان‌ها در شاخص‌های مربوط به فرهنگ سیاسی از هماهنگی نسبی برخوردار است. همچنین میان رتبه عاملی فرهنگ سیاسی استان‌ها با سه شاخص سرمایه اجتماعی یعنی اعتماد تعمیم یافته، مشارکت در سازمان‌های غیردولتی و نسبت تعداد سازمان‌های غیردولتی به جمعیت همخوانی وجود دارد. این هماهنگی رتبه‌ها برای استان‌هایی مانند: اصفهان، خراسان، سیستان و بلوچستان،

کردستان و کرمانشاه چشمگیرتر است. این نسبت برای اطمینان به نهادها تقریباً عکس می‌شود. به عنوان مثال کردستان که در رتبه یک فرهنگ سیاسی قرار دارد، در رتبه‌بندی اطمینان به نهادها در انتهای جدول قرار می‌گیرد. این تفاوت برای استان‌های دیگری مانند اردبیل، تهران، سیستان و بلوچستان، کرمان، کرمانشاه و هرمزگان نیز قابل مشاهده است.

نتایج تحلیلی این مطالعه نیز حاکی از ارتباط معنادار میان حوزه ساختاری سرمایه اجتماعی با گونه دموکراتیک فرهنگ سیاسی در استان‌ها، یعنی ارزش‌های ابراز وجود و عدم ارتباط حوزه نگرشی با آن دارد. همچنین نتایج حکایت از ارتباط معنادار و مثبت میان مولفه‌های اعتماد تعمیم یافته و مشارکت فردی و ارتباط معنادار و منفی میان اطمینان به نهادها با فرهنگ سیاسی دموکراتیک دارند. چنین یافته‌هایی حاکی از تأیید نگرش اجتماع‌گرایان و موثر بودن الگوی نئوتوکویلی در خلق ارزش‌ها و نگرش‌های دموکراتیک است. جالب آن که اینگلهارت نیز در سنجش‌های خود از کشورهای گوناگون، شواهدی دال بر موثر بودن اطمینان به نهادها و نیز درستکاری مدنی در خلق نگرش‌های دموکراتیک نیافت (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۳۳۰). از نظر او اطمینان به نهادها نشانگر وجود اعتماد عمودی و پیوندهای سلسله‌مراتبی است که شدت اعتماد را در جامعه تقویت می‌کنند، اما همزمان شعاع اجتماعی آن را محدود می‌کنند. چنین اعتمادی بیشتر با نگرش‌های اقتدارگرایانه مرتبط است تا دموکراتیک. برعکس، اعتماد تعمیم یافته به طور افقی جهت یافته و منعکس‌کننده اعتماد میان شهروندان برابر است که حاکی از مساوات طلبی افراد درون جامعه و بازتاب فضای اجتماعی «ذهن باز» است (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۳۴۲). همچنین، از نظر ویویان هارت (۱۹۷۸) نیز عدم اعتماد سیاسی یا عدم اطمینان به نهادها نه تنها بر روند دموکراسی غیر مفید نیست، بلکه برای بازسازی نهادها و دولت لازم بوده و آن‌ها را از رکود و سستی خارج می‌کند. در واقع عدم اعتماد سیاسی مناسب‌ترین پاسخ شهروندان به رهبرانی است که آنان را اغفال کرده‌اند (Arneil, 2006: 142). زتومکا نیز، لازمه سیاست دموکراتیک را انتقادگرایی

مشروع بر مبنای وفاداری و تعهد دموکراتیک می‌داند. پس، از نظر او بی‌اعتمادی به نهادها می‌تواند برای تحقق یک نظم دموکراتیک پایدار موثر واقع شود (زتومکا، ۱۳۸۴: ۲۵۱).

در مورد شاخص درستکاری مدنی نیز می‌توان گفت که با وجود تاکید بسیاری از نظریه‌پردازان حوزه سرمایه اجتماعی بر تاثیر این شاخص در جهت‌دهی به ارزش‌ها و هنجارهای اجتماعی به سوی نظم دموکراتیک، ممکن است درستکاری نه نتیجه تعهد مدنی، بلکه ناشی از تعهدی دینی یا ایدئولوژیک باشد. به عبارت دیگر فرد در حوزه‌های مورد سنجش درستکار باشد، اما نه به دلیل تعهد در قبال دیگران، جامعه یا منافع عمومی، بلکه این پایبندی نتیجه تعهد به اصول ایدئولوژیک یا دینی باشد. همچنین از نظر اینگلهارت درستکاری مدنی یا متابعت هنجاری می‌تواند منعکس‌کننده وفاداری به هنجارهای دموکراتیک باشد، اما همزمان می‌تواند بازتاب وفاداری آدلف آیشمن به دستورالعمل‌های حزب نازی نیز باشد (اینگلهارت، ۱۳۸۹: ۳۳۶). پس به سختی می‌توان ارتباطی میان ارزش‌های دموکراتیک و درستکاری مدنی برقرار کرد. در واقع متابعت هنجاری بالا همزمان می‌تواند حاکی از وجود گسترده ارزش‌های اقتدارگرایانه در جامعه نیز باشد. بدان معنا که شهروندان به لحاظ تابعیت از قدرت سیاسی به نوعی سر به‌زیر بوده و از نقد مداوم و جسورانه آن خودداری می‌کنند. به هر روی به نظر می‌رسد چنین نتیجه‌ای با نتایج صاحب‌نظرانی مانند فوکویاما (۲۰۰۳) در تضاد است.

منابع

- آرون، ریمون. (۱۳۸۷)، «مراحل اساسی سیر اندیشه در جامعه‌شناسی»، ترجمه: باقر پرهام، تهران: علمی و فرهنگی.
- ابوطالبی، م. (۱۳۸۴)، «نقش فرهنگ سیاسی شیعه در انقلاب اسلامی ایران»، تهران: معرفت.

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ... ۲۹۳

- احمدی، یعقوب و وحید قاسمی. (۱۳۹۰)، «فرهنگ سیاسی دموکراتیک در جوامع چندقومی»، **مجله جامعه شناسی ایران** (در دست چاپ).
- احمدی، یعقوب. (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی، جامعه مدنی و دموکراسی»، **مجله اطلاعات سیاسی - اقتصادی**، شماره ۲۲۵ و ۲۲۶.
- ادواردز، رابرت و مایکل فولی. (۱۳۸۹)، «جامعه مدنی و سرمایه اجتماعی فراتر از آراء پاتنام»، چاپ شده در: **تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- اسکات، آلن. (۱۳۸۸)، «فرهنگ سیاسی و جنبش‌های اجتماعی»، ترجمه: رامین کریمیان، تهران: آگه.
- اوفه، کلاوس. (۱۳۸۹)، «چگونه می‌توان به شهروندان اعتماد داشت؟»، چاپ شده در: **تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه**، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- اینگلهارت، رونالد و کریستین ولزل. (۱۳۸۹)، «نوسازی، تغییر فرهنگی و دموکراسی»، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: نشر کویر.
- اینگلهارت، رونالد، کریستین ولزل و هانس دیتر کلینگ مان. (۱۳۸۲)، «گذار به دموکراسی»، ترجمه: هادی جلیلی، تهران: نشر باگناسکو. آرنالدو. (۱۳۸۸)، «اعتماد و سرمایه اجتماعی»، چاپ شده در **راهنمای جامعه شناسی سیاسی ج ۲**، ترجمه: محمد خضری، فرامرز تقی لو و فرزاد پور سعید، تهران: پژوهشکده مطالعات راهبردی، چاپ اول.
- پاتنام، رابرت. (۱۳۷۷)، «دموکراسی و سنتهای مدنی»، ترجمه: محمدتقی دلفروز، تهران: دفتر مطالعات سیاسی وزارت کشور.
- پای، لوسیون. (۱۳۷۰)، «فرهنگ سیاسی و توسعه سیاسی»، ترجمه: مجید محمدی، **نامه فرهنگ**، شماره ۶-۵ سال دوم، پاییز و زمستان.

- پورتس، آلهاندرو. (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی، خاستگاه و کاربردهایش در جامعه‌شناسی مدرن»، چاپ شده در: تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- تاجبخش. کیان و دیگران (۱۳۸۵)، «سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه»، تهران: شیرازه.
- توکلی، خالد (۱۳۸۹)، «بررسی تأثیر سرمایه اجتماعی درون گروهی و برون گروهی بر توسعه اقتصادی در ایران»، پایان نامه دکتری، رشته جامعه‌شناسی، اصفهان: دانشگاه اصفهان.
- تونکیس، فران. (۱۳۸۷)، «اعتماد و سرمایه اجتماعی»، ترجمه: محمد تقی دلفروز، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- تیلی، چارلز. (۱۳۹۰) «دموکراسی، جامعه‌شناسی تاریخی تحولات دموکراتیک»، ترجمه: یعقوب احمدی، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.
- حبیب‌پور، کرم و صفری، رضا. (۱۳۸۸)، «راهنمای جامع SPSS»، تهران: نشر لویه، چاپ دوم.
- رز، ریچارد. (۱۳۸۹)، «کارها در جامعه ضد مدرن چگونه پیش می‌رود: شبکه‌های سرمایه اجتماعی در روسیه»، چاپ شده در: تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- رزاقی، س. (۱۳۷۵)، «مولفه‌های فرهنگ سیاسی ما»، مجله نقد و نظر.
- زتومکا. پیوتر (۱۳۸۶)، «اعتماد، نظریه جامعه‌شناختی»، ترجمه: غلامرضا غفاری، تهران: شیرازه، چاپ اول.
- سریع‌القلم، محمود. (۱۳۸۹)، «فرهنگ سیاسی ایران»، تهران: نشر فروزان روز.

سرمایه اجتماعی و گونه دموکراتیک فرهنگ ... ۲۹۵

- سلیمی، حسین. (۱۳۸۷)، «پست ماتریالیسم و تحول دانش سیاسی»، دانش سیاسی، سال چهارم، شماره دوم.
- شارع پور. محمود (۱۳۸۳)، «ابعاد و کارکردهای سرمایه اجتماعی و پیامدهای حاصل از فرسایش آن»، چاپ شده در بررسی مسائل اجتماعی ایران، گروه مولفان، تهران: پیام نور.
- شجاعی باغینی، محمد مهدی و همکاران (۱۳۸۷)، «مبانی مفهومی سرمایه اجتماعی»، تهران: پژوهشکده مطالعات فرهنگی و اجتماعی.
- شریف، م. (۱۳۸۱)، «انقلاب آرام: در آمدی بر تحول فرهنگ سیاسی در ایران»، تهران: روزنه.
- شوماخر، رندال ای. لومکس، ریچارد جی. (۱۳۸۸)، «مقدمه‌ای بر مدل سازی معادله ساختاری»، ترجمه: وحید قاسمی، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- علی بابایی، غلامرضا. (۱۳۸۲) «فرهنگ سیاسی آرش»، تهران: انتشارات آشیان.
- فوکویاما فرانسیس. (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی و جامعه مدنی»، چاپ شده در: تاجبخش، کیان، سرمایه‌ی اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران، شیرازه.
- فیلد. جان. (۱۳۸۶) «سرمایه اجتماعی»، ترجمه: غلامرضا غفاری و حسین رمضانی، تهران: نشر کویر.
- قاسمی، وحید. (۱۳۸۸). «مدل سازی معادله ساختاری با کاربرد Amos Graphics»، تهران: انتشارات جامعه شناسان.
- قوام. عبدالعلی (۱۳۷۹): «چالش‌های توسعه سیاسی»، تهران: نشر قومس، چاپ اول.
- کدیور، محمدعلی. (۱۳۸۹)، «گذار به دموکراسی: ملاحظات نظری و مفهومی»، تهران: گام نو.

- مدیسون. جی. پی. (۱۳۷۸)، «اقتصاد سیاسی جامعه مدنی»، تهران: نشر سفیر، چاپ اول.
- مصلی نژاد، عباس. (۱۳۸۶)، «فرهنگ سیاسی در ایران»، تهران: فرهنگ صبا.
- منصورفر، کریم. (۱۳۸۷)، «روش‌های پیشرفته آماری»، تهران: انتشارات دانشگاه تهران، چاپ دوم.
- وبر، ماکس. (۱۳۷۴)، «اخلاق پروتستان و روح سرمایه داری»، ترجمه: عبدالمعبود انصاری، تهران: انتشارات سمت.
- ولکاک، مایکل، نارایان، دیپا. (۱۳۸۹)، «سرمایه اجتماعی و تبعات آن برای نظریه توسعه»، پژوهش و سیاست‌گذاری، چاپ شده در: تاجبخش، کیان، سرمایه اجتماعی، اعتماد، دموکراسی و توسعه، ترجمه: افشین خاکباز و حسن پویان، تهران: شیرازه.
- Ahn, T. K. and Elinor Ostrom. (2008). “**Social capital and collective action**”, In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Almond, G. A. and Verba, S. (1963). **The Civic Culture: Political Attitudes and Democracy in Five Nations** (Princeton: Princeton University Press).
- Arneil, Barbara. (2006). **Diverse Communities, The problem with social capital**, Cambridge University Press.
- Bell, Daniel. (1993). **Communitarians and Its Critics**. Oxford: Clarendon Press. Byrne, B. M. (2010). Structural equation modeling with Amos. New York: Rutledge.
- Castiglione, Dario. (2008). “**Social capital as a research programme**”, In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press

- Clague, C., Geasob, S. and Knack, S. (2001). "**Determinants of Lasting Democracy in Poor Countries: Culture, Development, and Institutions**," Annals of the American Academy 573, January.
- Diamond, Larry. (2003). "**How People View Democracy: Findings from Public Opinion Surveys in Four Regions.**"
- Diamond, Larry.(1999). **Developing Democracy toward Consolidation, Baltimore and London:** Johns Hopkins University Press.
- Eckstein, S., Donald, G, Horton, D. and Carroll, T. (1966). **Land Reform in Latin America: Bolivia, Chile, Mexico, Peru, and Venezuela,** Staff Working Paper No.275, Washington, DC: The World Bank.
- Fennema, Meindert and Jean Tillie. (2008). "**Social capital in multicultural societies**", In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Gurr, T. R. (2000). '**Ethnic warfare on the wane**', Foreign Affairs, 79.
- Hall, Peter A. (2002). "**The Role of Government and the Distribution of Social Capital** " In Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.
- Henderson, Ailsa. (2007). **Small Worlds' as predictors of generalized political attitudes: Regional and Federal Studies panel on Small Worlds**
- Huntington, Samuel P. (1996). **The Clash of Civilizations and the Remaking of the World Order.** New York: Simon & Schuster.
- Inglehart, Ronald and Christian Welzel. (2003). "**Political Culture and Democracy: Analyzing the Cross-level Linkages.**" Comparative Politics 36 (October).
- Inglehart, Ronald; Christian Welzel. (2009). **Political Culture, Mass Beliefs, and Value Change,** Oxford University press.

- Inoguchi, T. and Newman, E. (1997). "**Introduction: 'Asian Values' and Democracy in Asia,**" in "Asian Values" and Democracy in Asia, Tokyo: The United Nations University.
- Kathleen M. Dowley and Brian D. Silver. (2000). **Measuring Political Culture in Multi-ethnic Societies.**
- Lasswell, H. D. (1951). **The Political Writings of Harold D. Lasswell** (Glencoe, IL: Free Press).
- Lelieveldt, Herman. (2008). "**Neighbourhood politics**", In The Hand book of Social Capital", New York: Oxford University press.
- Lipset, S. M. (1959). '**Some Social Requisites of Democracy: Economic Development and Political Legitimacy**', American Political Science Review, 53/1.
- Malesevic, Senisa (2004). **Sociology of Ethnicity**, Sage Publication Ltd, London.
- Maloney, William. (2008). "**Interest groups, social capital, and democratic politics**", In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Marsh, I, Blondel, J. and Inoguchi, T. (eds) .(1999). **Democracy, Governance, and Economic Performance: East and Southeast Asia**, Tokyo: United Nations University Press.
- Newton, Ken. (1997). "**Social Capital and Democracy**", American Behavioral Scientist March.
- Newton, Ken (2001). "**Trust, Social Capital, Civil Society, and Democracy**", International Political Science Review.
- Offe, Claus and Susanne Fuchs. (2002). "**A Decline of Social Capital? The German Case**", In Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society", Oxford University Press.

- Pierre Worms, Jean. (2002). "**Old and New Civic and Social Ties in France**", In Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society", Oxford University Press.
- Pillai, K. and et al. (2011). "**Democratic attitudes and social capital in Latin America**" International Social Work 54(6).
- Putnam, Robert D. and Kristin A. Goss. (2002). "**Introduction**", In Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.
- Putnam, R. D. (1995). "**Tuning in, Tuning out: The Strange disappearance of social Capital in America**", Political Science and Politics, Vol.28, No.4.
- Putnam, R. D. (2000). "**Bowling Alone. The collapse and revival of American community**", New York: Simon and Schuster.
- Putnam, Robert. (2002). "**Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society**", Oxford University Press.
- Putnam. R. D.(2000). **Bowling Alone:the colaps and revival of American community**.Simon and Schuster, New York.
- Robteutscher, Sigrid. (2008). "**Social capital and civic engagement: A comparative perspective**", In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Rothstein, Bo and Dietlind Stolle. (2008). "**Political institutions and generalized trust**", In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Rothstein, Bo. (2000). "Trust, Social Dilemmas and Collective Memories." **Journal of Theoretical Politics** 12 (4).
- Rothstein, Bo. (2002). "**Social Capital in the Social Democratic State**", In Democracy in Flux, The evaluation of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.

- Seligson, Mitchell. (2002). “**The Renaissance of Political Culture or the Renaissance of the Ecological Fallacy,**” Comparative Politics 34 (April).
- Silver, Brian D. And Dowley, Kathleen M. (2000). **Measuring Political Culture in Multi-ethnic Societies: Reaggregating the World Values Survey**
- Skocpol, Theda.(2002). ”**From Membership to Advocacy**” In Democracy in Flux, The evolution of Social Capital in Contemporary Society”, Oxford University Press.
- Van Deth, Jan W. (2008). “**Measuring social capital**” In **The Hand book of Social Capital**”, New York: Oxford University press.
- Vanhanen, Tatu. (2003). “**Democratization: A Comparative Analysis of 170 Countries**”. London: Rutledge.
- Warren, Mark E. (2008). “**The nature and logic of bad social capital**”, In The Hand book of Social Capital, New York: Oxford University press.
- Wuthnow, Robert. (2002). ”**Bridging the Privileged and the Marginalized?**”, In Democracy in Flux, The evolution of Social Capital in Contemporary Society, Oxford University Press.